

ورد سحر گهیان و نافه سب
 فافنه غابلیهم و وادی حیرت
 قصه دنیا و ماجسرائی طبیعت
 ایام گر اینگونه گذر میکند از عمر
 بگذارد تا سر آرم نه روی جوانی مومستی
 من لذتی سببم زین گیرو دار دنیا

محمد صوفی هازندانی

عاشق بیال خود را به حسین باید داشت
 تا کی از حسرت روی تو مرا در همه عمر
 از کف دست روزگار مرا
 برون شدی از بزم و همه افسردند
 رفتی و فرقی هستی با را **صفتت**
 چها کرد ایضا بلحاصل من
 ز دانگی بخندد هرگز آنکلی

محمد گسکنی

گل سبب شده شود در بریم باغ
 تعلیم گلرخان بجا ابقدر سبب

مخفی رشتی

باده نوش جان کشد خور عاشقان نوشی
 هر کجا من بر حورده من و ضروری خوردم
 مسجور بجهت مژگان عاشق از هوا گیری
 هر کجا که حواهی آبی لا اله الا آبی
 مسجور او ندارد باد هیچکس ز او رویان
 دهمی از کفم برده دل ز گویم چسبی

مرشد جربادقانی

مرشدین لورق حاصل از اگر بریم روی
 آله میبهره بجای کرد از دیوان ما

هر کرا باشد سری یا مال اوست هر کجا چشمی است در دنبال اوست

مستغنی افغانی (معصر)

چراغان که دهنده گشته زده رخ خیزد لاله
نمیدانم نمباید چرا پروانه در صحرای
اساز گردد باز آیم رفیق از سوق در صحرای
گرازم گم شود بختی را بخانه در صحرای
فروزان انس مغز و حشمت یکچند و بیشتر
شود تا آهوان و حتی صفت همخوان در صحرای

مسرور بختیاری (معصر)

دانی ز چیست عزت آید نزد خلق
عجب بکنی نگردد سم دیگر آید
مسرور فکر خویشتم زانکه هر چه در دلم
عجب مرا بدید ز من نیز آید

مسرور اصفهانی (معصر)

نگردد کن انسان باز مانده بقیه
به چه ماهه هر روز بر ستار است
چرا بهر اشرا جهان زنج دار
مگر پروریده جهاندار است
دختران همسر عالم آریند
مادر فاسوم ماهسوز آید
چشم احد از آسری است
مادر مردمانی قدر آید

ایمان به مانده گوهری
ما نارنج تارک تلری
پون چهره عارف گماندهای
چو حافظ تا مسرور
گاهی چو مکی حلقه است
کوبیده ترین فیر گوی دردی
بر مزرعه سوز استخوان
گده داسی و گاهی نرو گزی
بر این اس صفت بیکری
آشته اسکندری از آن
گرفته همه روز می روی است
گر چه دکشاید جدا که هست
نارنج از انچه کبری

مسرور قزوینی

لبی اندامی به دینی است ما را
ازین صبر رسد منی و انچه ای که ما را
نما به همسر سوز بیاز مزاج است
از آنکه هم ما شایسته حرمان است

از نسیم التفانی بی نوبان خوشدلند
 چنان بیقاب دارد جستجوی او غبار مرا **
 که گر بر خاطر دشمن تشنید زود بر خیزد
 سر ابا سکه بودم دوست هنگام خدائیا **
 مهلت تاج و تخت و نگین وا گذاشتن **
 ای چرخ از تودادن و از ما گذاشتن

مصباح (م. م. م.)

گر بدو نسیم سازی اختیار خویش را
 شادمان بینی سراسر روزگار خویش را
 می بویس و شادزی که شکر یا شکوای ما
 آسمان بر هم نخواهد زد مدایر خویش را

مصور اصفهانی (معاصر)

بدر صورت از نقاب آینه معنی نمود اینجا
 در فردو سرا بر روی مشتاقان گشود اینجا

مکتبی شیرازی

یکدم چو در دینه هم بدینند
 همچون مژه سوی هم دریدند
 پا از نم دینه در گلش ماند **
 دل روت و جراحت نفس ماند
 من قائله دل حبانم **
 غما کتر از حهایبانم
 گر بیرخت از ملال گریم
 جو بچشمه هزار سال گریم
 تو از نوبور طه هلاکم
 زلودگی وجود پاک
 من جاشی فرقی نام
 کز بار بریده آسمان
 آمیخت گل بو با گل من **
 زان سوخت شد نوبه دلم
 جای قدم تو موسم از دور
 با بوس تو ام چو ایست مقدر
 من شب پره وار دار تو نمید
 نوروی بد بگری جو خورشید
 با خود چو بارمت بسفید
 کی مادران تو است دیه
 پرسیدن من که داد بارت
 کاین جانی عیانت بی عیانت
 بتوان نفسون ز عشق رسن
 بر مریند چه سود ز خم بستن
 آتش ششام از توانی
 نی آنکه بر آتش نشانی

پیوند بجز توام از آل بود
 کاین رشته دست توگران بود
 چو نمرده به خرید روان بگورم
 کایم همی سینه زورم
 آنکس که بدوزخ آوردنش
 خرید می نرود که میرندش
 چرخست و هزار دیده برم
 اما شود بهچک شرم
 عشقت قیامت از ملامت ^{**}
 فکری به زین برای او کی
 پشیمانم که ما تو در حضورم ^{**}
 گفتمی که ز روی خاک بر سر
 صد کوه بدل چگونه حیزم
 آن یاد چو بخت در سراپم
 در خانه ایستد عینه ایم ^{**}
 چون نامه شب سیاه خامه ^{**}
 سر نالهش رسنگ خده ^{**}
 با چوئی نی یوریا شکسته
 چو حیده جز اسجول ندارد ^{**}
 در ریش حوی او چه حیزم
 ریح را آب نرسد کرد ^{**}
 کی عشق بسد این اندیز ^{**}
 سر آمد از آدی است موی ^{**}
 حیرامی که زیاده گر سروری ^{**}
 کاین رشته دست توگران بود
 کایم همی سینه زورم
 خرید می نرود که میرندش
 اما شود بهچک شرم
 عشقت قیامت از ملامت
 فکری به زین برای او کی
 پشیمانم که ما تو در حضورم
 گفتمی که ز روی خاک بر سر
 صد کوه بدل چگونه حیزم
 آن یاد چو بخت در سراپم
 در خانه ایستد عینه ایم
 چون نامه شب سیاه خامه
 سر نالهش رسنگ خده
 با چوئی نی یوریا شکسته
 چو حیده جز اسجول ندارد
 در ریش حوی او چه حیزم
 ریح را آب نرسد کرد
 کی عشق بسد این اندیز
 سر آمد از آدی است موی
 حیرامی که زیاده گر سروری

ملهمی اردبیلی

مگر ر حینه غم دل گشایم بر نه
 حوی آساده از یوشادعلی نرسد
 بهار سوی عناصر هر آنچه ز من مست
 سرا آرایه مکان را گمانی بسد

<p>که گفته است که در شهر ما گیاهی نیست ز پاده از سر زاقوی لیل تری نیست من درین شهرم گرفتار وفای خویش کاش ممکن بود رفتن از فعلی خویش نیش از خانی زدم آخر پای خویش نمود ندیده لایق که رود خواب بخت</p>	<p>متاع مختصر جان بر ایگان زدم امید وصل قائبست بس دراز ولایت یوفایم گرفتار دیدم بشهرستان حسن تا یکی دنبال غیر افتم که معشوق مست از دیرت یا بر شدم راعد شده پیوده آه تو دورم و سیرم که معذب محبت</p>
<p>چشم ز غم اشکبار کردی خاکت بر سر چه کار کردی مرگ ده و آفتاب بی که ضعف زین نیرو - حال رحمانه آفتاب ناساب زنده بر رخ خاک پنهان تا رجه نگرده آن بره دیوش نادان لب حوی من لب گور گر سرو نبرد ماد ز جهور ای خاک سیاه بر سر من</p>	<p>ای چرخ دلم و کار کردی خورشید مرا نگل بهمنی یارب که روز من شبی گر زنده ام از تو نیست پنهان گوید نگل بشاید آلود چو هست که آفتاب ما را ای خاک در اختر کن آغوش گر بخت هم من کنم لب حوی که گل حسرت باد بی آب من مانده تو زلفه از بر من</p>
<p>بر حیر که آفتاب تنهاست وین حم شده قدحور بر پاست نادیده خویشش که نمانست نادیده دگر چکار دارم</p>	<p>بر خیر ایماه چند حسپی گردیده نپسامت آشکارا بروی تو ز روشب سختکه من بعد که حجر یار دارم</p>
<p>جان هست ولایت ریسن نیست ز مردد ملهمی سخن نیست تا سایه که افکانه بر خاک</p>	<p>ایست الا که بپنو ما را ای مرگ با علاج من کن در مرگ تو میکند بسر خاک</p>

مؤید التولیه خراسانی (مصدر)

الا نگار من ای آنکه هست بردل من ز هجر روی تو هر دم هزار گونه عذاب
بیاید تو بر عاشق دگر نهانده شکیب یا نه در دل پیدا نمائده دیگر تاب

مبین اصفهانی (مصدر)

نو از کاروانان بیاموز بند و جز آمد و رفتشان کار نیست

ن

ناظم بختیاری (مصدر)

شبهه ستم که روزی میر داماد هائی را بگفت ای یار استاد
تو پیش از هیچ میگوی خدا بود بند چون هیچ پس او تو کجا بود
جوابش داد پس شیخ بهائی نه ای خواهان راز کبریائی
تو دای جسم و جان هستند همپای بگو در جسم جان دارد کجا جای

ناهی ساوجی

نیاید راست تشبیه فدت بر سر و دستای نه سرو از نای نامرس بوار سر تابا چاه

نجیم

هر کس نکرد عاقبت اندیشی از عاقبت بپایدش اندیشه

نجیب

دارم تنی حلوه دل سنگ آب کن در عکس خویش آبه عالیجات کن
یکوعده نیامده را رور و عمل گیر بکوسه نمانده بعد جا حساب کن
داخل بزم ناقصه تمام و نواح سر نشسته هجره بر قن شتاب کن
کودک مزاج ناز و مانتق بهانه گیر بر جیده حای دیگر و با ما کتاب سکن
اوراق صبر و خلعت ناسخ رساده و زبک نگار خانه مردم حرات کن

نژادی قمستانی

مرگ نه زین زندگی کاین زندگی هر دم در محض عیال میکند
نیست کمره در جهان آسایش هر که را چایبوس جنبای میدهد

دین آمد عزم می خواهم ~~حکرم~~ عمر شد پس عیش کی خواهید کرد
 گر دهد بند و نه بد او ستاد ما خلاف رانی وی خواهیم کرد
 عجب که رغبت دید او دوستان ^{۴۵} گری قام بکلمه ما راجه ناگهان گری

نصیر و حیدر آده (منبر)

مردی حکیم کرد صحبت بطل خورش کایجان من بکوش که صاحب هنر شوی
 ماهر که عاقلست و خردمند یار تو تا از کمال و صحبتش بهره ور شوی
 گردنت من یادگیری و دانش تری بکار چیره بخود سری قضا و قدر شوی

نصیرالدین طوسی

با نانکه در استخوان فاند رک وینی از خواهه تسلیم مه بیرون پی
 نگردن مده او خصمه بود رسانم گرد مدت مکنش از دوست بود جانم طم

نظیر مشهدی

احباب بر رضای ظفرور رفته اند کم و مراد جان عم اندر رفته اند
 آرد بهار و تازه نشد کشت بخت ما کاین سزده ز خاطر نوروز رفته اند

چرا چو ماه نوم دیر خیر چهره معانی ^{**} من آفتاب ندیدم ده ماه ماه برآید
 ما نخل طرب در دل خورسند شکستیم ^{**} شاخ گول امید ریوند شکستیم
 نگذار که جهان بود ایسار جگر سوز ^{**} انگار که گهیم و دل چند شکستیم
 از ما حذر کنید که اس نشکستیم ^{**} خاکستریم و بر رخ آتش نشسته ایم
 در زم تو محرومیم از وصل عجب نیست ^{**} برواه بسر سوخته پای جراتیم

نقایی تیرازی

مردان دشتین خاک تجرین شد از ورختن لول و حدت انگیز
 عدانسان لرزه با مردم در آویخت که دشتک سه مه از چشمه بتان ریخت

نقی کهره

در لطافت جان کجا لعل لب حاران کجا هر دو یک جسته اما این کجا و آن کجا
 از من شور و غم ما ان سروستان معواه بسرو ستان کجا غل بسرو سلطان کجا

گذشت وقت جوانی و شادمانیها
 بهالاست برار در روز عجمان
 اگر چه بسته ره کام عصمت لیکن
 اگر کوه زانیه از زبان ناتوانها
 کشد بار حضور عیان و صفت روز هجرانم
 ز دلم صحنه حسرت آینه از بس منزلی یاد
 خورش نوائی مرغ فارغبال در تحریر داشت
 کوه میکند و هی از بی تدبیر و عمل
 ما و حر ز نقل ما را عالمی غم صحت بود
 وه که آزار دل ما بی تلاقی مانده بس
 باقه محمل نشین من رهی هم گم نکرد
 امروز دیگر در تو خاطر الهی هست
 بر من استاده گمی ایضاً من طعن
 زود از سر نالیه هر بت جمع که ما را
 بر ما حظ بطلان مکش ایشیح که ما را
 سرشت آیم صحت زحاک پاک صفت
 برای عیبت اهل هوس بجز مرا
 تو بنا کردن و در پاک نظر
 دل از غمت جز در صورتی سبیر داشت
 دلست چندی خور بر دلم مایل چه میداند
 تو در کمال میخترانی جامی در کف چه میدانی
 غم عشق و بلائی غارت و بیماری هجران
 یاد آرزوی که ما را بخت بر خوردن از روز

رسید نوبت پیروی و ناتوانیها
 شکریم پیروز از ایام نوجوانیها
 نبسته است کسی راه بد گمانیها
 دلیل ناتوانیهای ما سس من زانیهها
 که در پیری بنای جوان بودیاد جوانیها
 که او نه آتشی در خانه من خانه آنها
 اینک آه و ناله مرغ نفس تنبیر داشت
 یاد آرزوی که عاشق قدرت تدبیر داشت
 داشت یک عالم چون محفل غم عالم نداشت
 زرد پارچه داشت در میان ما ما هر همدانست
 داشت مجنون حاللی مسکین نفس آنها داشت
 بر سره ایام حش خوار غمی هست
 صد بار به از اهل بتارا ستمی هست
 در سینه هوز آتش و نور داده امی هست
 گر هیچ دیگر است بید کمی هست
 گناه مبرو و ما رسنه زان و حاک صفت
 بکش که مصاحبت امروز در هلاک دست
 گناه دامن پاک تو تسبی پاک دست
 حدان هم تو داشت که ما در جبر بدانت
 جهانی جان قربان سرت بیدل چه میباشد
 که احزان بر بدستان پا ... آمل چه میباشد
 اگر مشکل باشد دیگر مشکل چه میباشد
 دوست با ما دوست و دو باز با ما با بود

آمد شعله دارم از جان بخت تر
 امشب چراغ بزم نه بودی که بودی
 طبع نفی ز گوهر معنی بگوش باز
 بلفورخت این شست و آن روز
 بالای نور شمع عالمه آرز
 مکن آرز من ایندوچ مستعار مکن
 عالمه از قافله بیچار غم و جان براب
 دیده بوم که گشتم دامن و ز لگ تو گشتم
 بهر بویی که دانی محرم بزم و صالم کن
 دارم از صلح نوبختی بر آتش جگری
 شب سحر شد همه گمرا و بیچاره در صبح
 الحذر الحذر ایشیخ که آشعله حس
 دست در عشق علی شاد بدهی که چه دید
 گرچه مستند در آن اول روزم یکی
 صلح با غیر ده ما تو از آب حکت تو

نوروز افغان

گر بصره اور باغست ایله گل پیرامن
 بسکه یاس عاجزین دارد لندیهای حسن
 شاه را عهد پاره شد دل فاشار مر رسید
 شمع از دست زبان خود در آتش سوخته است
 چه در فرها محبت افاد کار عشق این

لاله ایوی برتذخ و کن پشان بوده است
 مور و اجار که خدمت باجهان بوده است
 دهی نازک ببند کی آسان بوده است
 معاه حور چون بعضی وقت جان و ده است
 مور شیرین جان میر بره این آسان و ده است

نوری اصفهانی

نه دره شمع و نه پروانه آفتاب گزید
 نه ز تو یاز دگر ایندل موراب گزید

عادت ما نیست که بیداد کس دادی کنیم
 پیش ازین نالیدی از درد و اکنون خاشم
 ز جام شوق سرگرم آنچه آن سوی چون رفتم
 مرا گفتی سر از آوی غم برداشتی آری
 چنان کردی تر آب اهل مانع آسید بختی
 بیداد دوست بر دل ما بی شکایتی
 یکجند خویش ببردیم زود میریاید.

نویس افغانی (معاصر)

تنگدستی و از ره بیدم ز چو چوگ روزگار
 نزد ما جنس ریاکاری ندارم قیسی

نیازی (معاصر)

آتشکده و کعبه و بناخانه نهانه است
 از نور جبین شیخ سخن راند و نگفته
 ز ترو نه می بویه و بیچاره و نه حاجت
 اگر نیکبختی تمام آرزوست
 بوی چوی بیاری تنی پای است
 معاند نام دوستی گار پاک

و

واری اردبیلی

بند گیم کدام آرزو بر آوری
 نه روز با بسین بغل عاتقم گردی

وحدت کلپور

با قلب افغان بسی با بحر آد سحر
 دیگانه بدو یکی شد دل جانان افری

وحید دستگردی (مترجم)

(تکراره از همان)

بکار باش که چون آدمی ز کار افتاد
 من از کشیدن دندان خود گرفتم بد
 حقوق خدمت تیرین و دوستی کهن
 چو سودمند و بکارست در رگ وریده
 ولی ز کار گزافه صحبتش بکنند
 روز گزاف خوشی دوستان مراوانند
 امروز سخنی و مدحی از بیانی دوست
 برده گر چه راز آسمانهاست *
 شاید گفت پشت برده کس نیست
 مشو در پیش گردگش فروتن *
 بروز ما توای باش سرکش
 میجوی اندر غم کس نادمانی *
 اگر خواهی حیات جاودانه
 ز آب آموذ رسم رسیدگی
 چو آب چشمه حیوان پروری کن
 منو شمیر آسا از وفا نور
 بسا شمیر زن دارد جهان باد
 به تیغ زیر بالین پستان گرم
 همان شمیر را دشمن برافراخت
 اگر دانشوران همت گمارند *
 زمین را غیر یک کشور نخواهند
 بچوبان از بلندی سکرانه

کسی ز دوست و دشمن بر او بگمان نیست
 تو بیز آژین دانان شو ۲ هفتاد بست
 اگرین کسی از کس بدتر ددان نیست
 مکان اوست که بر لعل کباب امکان نیست
 که ترک دوست دیرینه کار آسان نیست
 اگر چه دوست اگر هست باس هزاران نیست
 تار کس رهش چند که همسرش جان نیست
 بخاک از راز گردور پس نشانهاست *
 کسی هست و کمبیا دمترس نیست
 مکتب بیست فروتن نیز گردن *
 مکش سر در تیرانای چو آتش
 دعواه از مرگ پاران زندگانی *
 گوارا باش در کام زمان
 روان زور سوار ز بسن روانی
 آب زندگانی همسری سکر
 که شد بیگانه چون شد راستا دور
 که از شمیر خود سرداد بر باد
 سر غمات فسر از باش سرم
 سر غفلت زده از پیکر انداخت
 بدانند بی ز سر بکمر گذارند *
 نتر جز اهل یک کشور ندانند
 ساند از دورگی ها شاه

ازین حکمت ارسطو بی نشان بود
 سگد را بدو شمشیر شد نیز
 چو از چا برچه پنداد اقراشی
 زبانچه زد درهن کتا ویا ترا
 سر ناساک وی نمود افسا کی
 باسخه آتش پنداد انوروحی
 هر مرد هسر ورا پندار س
 سب و بی حد باشد سرانوار
 سسرا هیچ بودی جز زبان سست
 بی لغز آذر پائی بلغز
 ولد از لغزش زان حد س
 هر آنکس سناز پر گوش کند باز
 ندارد دعوی آنکو کار سست
 نشانی غرض اسرار نکند است
 سحاب زاله مار لاله انگس
 سگرا حیوانی کی از زبان حواری
 شکست دادند پیمان سگس
 چشم مردمی آنکس بود س
 وگر بیگانه را محتاج سست
 بیچو بود سر از افسر نزدگی
 انگس سر باشد و افسر باشد
 بود عادت بی مردم طمع س
 چو عادت کرد کشور شیوه س

ز بوفان زانودشمن ما جهان بود
 و زان نیزی بگیتی فتنه انگیز
 اجستین تخم گین در مر زخم کاشت
 انگتی ککاست ناموس کياترا
 مند اندر مر زخم آسودگی طی
 او ساراد آتش در دوا سرحی
 نگردد از پدر کس مرد باکس
 هرور داره از افسر و سب عار
 هر سواج شهنر استخوان سست
 جهان لغز است وائی بلغز
 هزاران سر پائی و پای در س
 هر نگری چون از حجم آوار
 عمر مدی ز دعوی بر کراست
 حروش رعده دگک شاخ بود گست
 به یوبد تند به غرض کند نیز
 که از زبان حواری سست س
 به ک پیمان نماید عهد سس
 در ور حاجت از حد شان شود دور
 بدو حور حویش نزدیک گزیه
 بود افسر بزرگ نوسر بوزگی
 به از افسر که ز می سر باشد
 شود در عادت بد مردمی گم
 شود در بندگی از بیم تلج

که بپزند کمان آشناندش اشک	مانند گردن سگس بے رشک
و از گنج کسان ریح آفرین است	عبثه رشگر بند و همگین است
حکمت در آینه بد صورت خویش	نکو را زشت از آن است که اندیش
که در آینه از خود نگریه روی	و زانست بد را نگر عفت نگو حوی
بوی از آن خوب و بد بین برین	بغوب نتوان بر حاشیه خون سیرت
که همین ملک جهان باغ جهان ایمنه است	غم و اندوه محال چند جهان ایمنه است
مهر و روز در بر از آن روان ایمنه	از بی سیم و ز آرزو باها هفت
نام خود آنکه در آن برین ایمنه است	بزیان سعی و عمل سازی در دل عادت
در عمل کار که کوه و مکان ایمنه است	گر ازین سعی و عمل کوی و مکان دست دهد
شهر در آن زمان زمانه ایمنه است	دلوار ازین دولت و این سعی عمل باش و خرد

۵

هادی بیرجندی (مدرس)

بازن بخواهم که تا کوی تو باز بگر آیم	بازن بگذارم و این باز از سر آیم
من نه آید که تو بتوان دسته دانه بر این	از درون گریه ایمنه باز از در تیگر آیم
از پیش این روزیانی که سه روزی و سازی	گری چون گان تراوا باز افتیم بر سر آیم

هاشم خراسانی

آوردیم از عدم در آید از چه بود	آنگاه در بر ده ایمنه چاه چه بود
در آمدیم گریه و در رفتن آه	آنگیزه بر از چه و این آه چه بود

همانی (مدرس)

هر هفت گشتوز یکی جانیر	چند ما مردم دیو کژار است
من ایمنی بر آنم که رینا و رست	سراسر بحر وهم و پیمان است

همت

بعضی از وجود حقیق در آنگاه می رود در مرگ است هر که بعد از راه می رود

ی

یحیی کاشانی

اینگه از دستواری راه فنا تری مشرس سکه آسانست یز و به پیمان خو آید بودی

یتیم پرو چندی

گوه شپردلشست و آه سردی ترا حاست آسمانی بر زمین افتاد و گردی بر نخلست

یوسف بختیاری اصفهانی

تاری از طره نارت چو به بازار آمد کار بر مشک فروشندها ناز آید

راز پنهان تو من هاش نسازم آیدوست نابینم باز دنگ ما تو سر و کار آید

یوسف بیرجندی

مردوست حرص یای بر دمال پس آید آل کتاب مود باز گردد و ساز از دهان آید



آثار پراکنده

اورنگ (مصدر)

اگر چه رو این کسب گردانده یا آرام نیست
گشایی یابی فلکرا گر شب پیش نیست
هر ذی حویث بعالم دلبران خویشرا
گر بکافی دحمه محمود می بینی نه باز
مرد از صورت که بکشتن حرم اسرار نیست
مرد راه عشق نبود آنکه در دست

حبیب یغمائی (مصدر)

و یاران هر که یازش بهر اسر
همه مه طلعتان تا مهربانند
چو انی خویش بود گر بگندای

شیدای اصمغانی (مصدر)

اب مژه برداش حاکم نیست
چو سجده ای می برد در صبارم
دور از تو روزی نسیمی ز موی پند
و ز دیده سر ملک غم در لورم و میریزم

عاشق افغان (مصدر)

دو در هر خطه زیر بحر طوفان بوده است
در چمن استیمن عهد ناله ما و عدایب

حافظ شیرازی

شبی جوانی بلبل گفت گای معشوق بی منت
ترا عاشق خیزد بیند اولی معشوق نخواهد شد

وفائی خلیج (مصدر)

هی بر اسطه انگیزی که حاکم رخ بر خیز
بباید که من رشید باد اسطه بر خیزم

نهار افغان (مصدر)

هر بی معارفه او طرح شبیون میگردد
بر دستار مستور چشم یاز خواجه شد غبار
بیشک صیدانک من گونی پستان داده است
گوشه گیر بها نصیب خاکسار ز بوده است

فروزان (مدرس)

بالم شو مار از تو هر گه شیر روی آرم
آرم بنوری از تو هر گه ز تو بگیرم

عصمت سمرقندی

آنکه نامش هوس سوحش ما میکرد
کاش بیامد و از نور نمانشا میکرد
سخت دلنگ شدم خانه صیاد خراب
کاش روی قسم جانب صبرا میکرد
این همان و اینترتفتست که در لحظه فلک
هر مجنون مستی تازه مهسا میکرد
حویشت را سر کوی شهادت میدید
عصمت آنروز که وصل تو نمانا میکرد

صفائی ملایری (مدرس)

گر دست داشت روزی از هزاره بگیرم
تر منگده ها آبی در آتش خبر بزم
در پنجه شیر عاشق افتاده و حیرانم
به دست که سلویم به پای که بگیرم

شائق کابلی

بهد الفت ما تو حتی کار آبان بودی است
ایک مشایخه از چقدر حسودانی و نه است
عسیر کش حویس را عمر بلا گفالت بر است
عمرها بومعه ما از چاه وزمان بود است

دانش

بویبار آمد که از تر جیس پرور شود
بذات گل دایه شور جهون در سا شود
تا کرا سیراب کر ای لریستان در بهار
قطره نامی میتواند شد چو آب و سر شود
مهر ان چراغ کانه ویرانه مست
پیشانی گمشده در حایه مست
در پیله های اهمیتت کشان من از خور است
آب منار از این بازی که بر بوش باد

ابن حسام خوافی

اشک نایاب کر که بر می بود
در اندر من با تو کمی بود
بگویی که نفس زدهش باشد
بوسیدن لب و عافش بود

غنی افغان (مدرس)

حالی که است در بضمه نیر از من تو
بگفته بودی در سار و نه همسان بودی

صبا (مدرس)

امه ای مر گوتندار که ما ما
بگویی آن باروز صبر بود

فاصل ازین ماجرا از جای چویرخواست
گفت بخورد چون غلغله می شب و شین
آگهی اورا نبود و چون نگری نیک
لیک ملامت سرد بر آنکه بدخواه
لرزه به تنش اوفتاد و سخت یاشفت
بی خبر از مار و مار گرزده مرا جفت
می توان در ملامتش سخنی گفت
صحت یاران مار خوی پذیرفت

آزاد معذلی (م.س.ر)

واعظ چه دهی زحمت خود درد سرما
ما رنند خراباتی فارغ ز بهشتیم
از عیب کسان چند حکایت کنی آخر
دیدیم جهائرا و ندیدیم بکنی بد
رودانه یادم مزن از خبر و شر ما
آفتابان نبت لایق شانت پدر ما
ایکاش ترا بد بصری چون بصر ما
خوبیم و بهر خوب نیست نظر ما

حاجی میرزا حبیب خراسانی

یاد آرزوی که کساره دران محضر نمود
آشنا با لعل جاز بخش تو هر شب ناسحر
چو زبان شانه و دست من و باد صبا
ما و دل بودیم و غیر از ما کس دیگر نبود
وقت مستی جز لب ما و لب ساغر نبود
دست کس با زلف مشکین تو باز یگر نبود

طالب آملی

از ضعف بیرون جا که نشستم وطن شد
جان دگرم بخش که آیدان که تو دینی
پیراهنی از تار و پا درخنده بودم
هر سگ که در سینه زدم نقش تو گرفت
وز گریه بیرون که گذشتیم چمن شد
چندان ز غمت خاک بس ریخت که تر شد
چون تاب جفای تو بیاورد رفتن شد
آهیم صنی بی پرستیدن من شد

عرومان خراسانی (م.س.ر)

از عشق موی قدان چو در شام سیه روزم
بر پای شود غوغا بر چرخ رسد آسویب
وز شوق نکورویان چو نصیح سحر خیزم
هر گوشه که بنشینم هر جای که برخیزم

بقائی پیر جندی

بده و رحمن تو پرسند اگر ز مردم راست
بکشتگان ره عشق بی خبر مکنند
ز صند از نگرید یکی دلم بر جاست
که جسم گرچه خنده و شست و روشنان گویاست
بکجا روم ز کویت بکه التجا نعایم
که توام حیات جای که توام درای دردی

ضیائی (معاصر)

تا مست شراب عشق زان ساغر بپریم گه مرغ شبا هم گه زاهد شب بخیزم

قلزم (معاصر)

بادشاها تو جہی مخصوص	بادارات کشوری فرما
این ادوات کشور را نیز	چون ادوات لشگری فرما
از بی آزمائش اول خود	در همه امر داری فرما
سمی و تدفیق و کذبکاری کن	صفت و داد گتری فرما
بهر تفکیک خادم از خواں	دیگر ارا نور هبری فرما

شائق (معاصر)

ابدل ادبیت نظر دگر آموز	بر بی هزاران شوه علم و هنر آموز
نوصیف رخ و قامت معشوق رها کن	اخلاق پسندیده بنوع بشر آموز
در علم و هنر سد ترقیبست قداعت	هر چند که آموزه بیشتر آموز
از سنگ و جمادی که باورست نه ای کم	عجب شو و بیش بضعیف البصر آموز
مشک از بی بونی بومه عر خورد خون	ایمان خوش ایدوست بخون منگر آموز
شائق بید و بیک مکان غیر نکوئی	از حصت یکان جهان اینقدر آموز

فارغ افغان (معاصر)

آسیا پرسته میگوند با آواز بلند اینده سرگشتگی ها اربس نان بوده است

حصائی بیرجنیدی

دوشم بحن وقت سحر که گداری بود	دلگ تراز نام غریبان سعری بود
هر ذره که چو نسر به مرا در نظر آمد	بر خاسته از دیده صاحب نظری بود
هر سرو دلا شوب که در چشم من آمد	یعون بیک ندیم ز قد سیمبری بود
از طعم لب نوش دهبی اثری داشت	هر شاح دلاویز که او را نوری بود
در هر قدمی دیده عبرت بگشادم	دیدم که زیر قدمم قرنی سری بود
چانیست جهان بر گذر راه سلامت	در چاه زیمتاد کسی کش بصری بود
ایمانی زمان بین که چه من پسرانند	خود یاد ندارند که ما را پدری بود

از تیغ حواصت توانست گذر کرد / جز آنکه ز تسلیم بدستش سپری بود
 از هر که خسر جسمم ازین راز نهانی / فریاد نه او نیز چو من بی خبری بود
 دلا از عالم کثرت گذر کن تا جهان بینی ^۳ / قدم در کوی وحشت نهاده خود را در آمان بینی
 تو ساز رحلت اکنون کن نه در دست اختیاری هست
 که تا گه اختیار خود بدست دیگران بینی
 مشو غره برعنائی رها کن زیب و زینائی
 که تا گه دیده بگشائی نه این بینی نه آن بینی
 هم آخر در کفن روزی پخاک اندر فرود ریزد

نتی گو را زیبایی لاس از پر زبان بینی
 جهانداران با افسر پر پروان مه پیگر
 کنون بر خاکشان بگذر که ممشی استخوان بینی

خبازی نشابوری

من بینی آسود رائف که بادش همی برد / گوئی که عاشقی است که هیچش قرار نیست
 با آنکه دست حاجب سالار لشکر است / کرد در مینماید کامروز بار نیست

میرزا آقا خان کرمانی

تا دیده ام نزاع شب جمعه با شراب / دلسته ام که باطن آذینه پاک بست

داعی دزفولی

بنا نیست آساییم از عشق تو و زاوی دل / گاه گریان ز تو ام که ز گرفتاری تل

شاهدخت ملایری

شب نیست که دیده از شمت تو بکم / دامن و کلاه پر ز گوهر بکم

در مردم ایندیار چون نیست وفا / شهسخت بر آسرم که شوهر بکم

من دخترکی فاضله و شاعره ام ^{**} / در دوره خود چو موشی نازده ام

این فخرم من که ترک دنیا گفتم / سی میگذرد ز عمر و من باکره ام

شهری (سهری)

سر حوشم به یاد معشوق و خیال خوشتن / واگزار ایعدی ما را بحال خویشتن

طایر بشکسته بالم کو پرو بالی سرا تا که با حسرت بوم سر زپول با خویشتن
از مال خویش در عالم کسی آگاه نیست ما چرا باشیم در فکر مال خویشین

خسروالی (مناصر)

مجوی ز اهل زمین اندرین زمان یاری که نیست در کف کس گوهر وفا داری

اوحادی مراغه

ایسفر کرده دلم بنویز سود یا غمت از خاک زمین بیترسم سود یا
سودمن جمله ز مهر تو زیان خواهند شد گر زیانست درین آمدن از سود یا
مایه راحت و آسایش جان بودی تو تا بر فتنی دل من هیچ نیامود با
ریختم در طلبت هر چه تمام داشت مرو با ختم در هوس هر چه در ا بود یا
گر ز بهر دل دشمن نکئی چاره من دشمنم بر دل بپجاره ببخشد با
زود برگشتی و دیر آمده بودی بکفم دیر گشت آمدنت دیر مکن زود یا

عبیری (مناصر)

نه اشکی تا کهره بند ز پیش انظار بدخورا نه آهی تا که از دنبال گردد دانی او را
تو و بالاله رویان گل ز شاخ عیش چیدنبا *
نصیب ما بجهان حسرتست و ناکامی *
دوش دیدم صنم چشم سیاهی که میرس *
رغم ماه فلک و مهر فروزان سیر *
از پریشانی آنزلف پریشان دارم *
ریزد و آبم از دینه و دل هر شب و روز *
بروی میل بمشادیم راه خانه خویش *
زین عمر دور وزه در لاله ایمرگ *
از اساله زار معجزو بالم ایمرگ *
ز مکر و کید جمعیت بجانم جان تنهایی *
من و چون شنبه از دست تو بر این دریدها *
تو نیز اگر ندی داد ما چه خواهد شد *
سوی من کرد بخت باز نگاهی که میرس *
چشم بد دور نصیب شده ماهی که میرس *
شام تازی که مگر روز سیاهی که میرس *
بیر تو ای هوس جان اشکی و آهی که میرس *
بدست برق سپردیم آسیناه خوش *
با دور زمانه در جهانم ایمرگ *
ایمرگ نوحی بحالم ایمرگ *
دلم دین مردمان آزرده شد قویان تنهایی *
*

آشفته خراسانی (مماس)

چيست اين گنبد ميناي بلند چيست اين نه فلك فلاهي
 چيست اين اختر تابنده مهر چيست اين منظره مهتابي
 چيست اين ظلم گردنده چرخ چيست اين طاق سپهر آبي
 از چه ميگردد اين کون و مکان * کيست انکس که بگرداند شان
 همه آذوق کران تا کران غير ذرات پراکنده نيود
 منفرق بهمه کون و مکان جنبه نمودم ولالب وجود
 هر يکي را اثری بد مخصوص گاه مستور و زماني مشهود
 جمله ذرات بهم پيوستند عقد خورشيد جهانرا بستند
 طلم ذرات چو شد تابنده گشت اجرام سماوي پيدا
 تبعه در اخگري از شمس جهيد که زمين نام نهادند اورا
 هر چه زمردی و خستگيش فزود آب شد جمع و ز گل دست گيا
 حاصل آيد و زمين و خورشيد طرفه حيوان عجيبی گرديد

مشحون (مماس)

مسلم است نه گني بکام راجد است اگر چه گيتي بر هيچ کس مسلم نيست
 شد هجر روی جانان حير از سحر ندارم * دل بود دیده اشک و خورشيد بجز اين خرد ندارم
 متم و دل نه هر شب گندم بناله سرخوش هر از کغم تو اين دل که دل دگر ندارم
 تنده خالک هر گدارت سر پر ز شور مشحون چه غم ز سر گرانيست کنون که سر ندارم

تواهي خراسانی (مماس)

مخواسم از کويت در خيزم و نگر بلام باو غم هجرانست نگذاشت که بر حيزم

شکيبی اصطهبانی

هر گيسم از خوش به تنگ آمده ديوانسه با خرد بختك آمده
 دوشينه بکوي دوست از رشکم گشت بالبين پای دن بسدك آمده

پژغان پختياری

ديوانه محبت جانانم هنوز دست از دلم ندارد که ديوانه ام هنوز

طفلم بطلم و طالب اقداندام خنوز	ابدوست قصه ز محبت یکو که من
کس جر تو ده چسته بکاشانه ام هنوز	زین خانه دم مکن که ز آغووشان شهر
بوزه جان من و اکون بدهان آمده است	یار سر بسته که از دنا بزبان آمده است
روزی ار ما سخن کر بمیان آمده است	فاستان غم دل بوده و شرح شب هجر
آنکه زین هستی ده روزه بهان آمده است	موس هنی چاوبد چسان خواهد کرد
طفل بیچاره بدبستان بهان آمده است	شد بسر راندهم یادو خط هستی نگذاشت
کریک از آن چجهان گریه کسان آمده است	شده از باغ عدم رانده برندان وجود
وانسبه رنگ طره رویی بند	یار من کرده زلف خود کویاه
دشمن عقل و آفت دین بند	گشت بهر ز راه ایکن آه
حسن مشغول خود نهایی بند	طره یار من طلانی شد
آخر رحمت بده تازی بود	تا سیه داشت آن پری مورا
تا ازین کوکم چند بند سود	حال زری نموده گیسو را
هر چه آمد بلای جانب مست	دشمن جان و آفت فطن است
جسم حاحس و جسم رخنه	لب گنگون و مری خروانی
یار سا سا تمام کیه آه	همه در منهوئی ریائی
وای بر من جو روحی و چه من	یکجهان درج رفته در بنی
بو مگر آفت بستر شده	جان من ایقدر نکوئی چیست
یکه در هر حوضر شده	ایمه حسن و خوروتی چیست
حسن اخلاق غایبی دارد	
خوروتی بهایی دارد	

ای نامه ها که در بر من باز گشته اند
 دل پر ز آتسمت ازیندل حذر کید
 این خایه جای ناله و اندوه و ماتسمت
 ما را زسوز سینه بگفتی فراغ نیست

با من تو نازد همدم و همراز گشته اند
 یا خوبشرا را نیک من حسه ترکید
 در این خزانه ریخته غم بر سر شمت
 این پری خانه سوز بود درد و داغ نیست

گویند شرح عشق مرا از زبان
در وصف استیاقی مرا یا دهن شوید
شد روز تان سباه هنر از دوز گار من
تا بر شمایه نگذرد از درد اشتیاق
با یکدیگر حکایت از آن سیمیر کنم
خواهد بر من آنچه از آلب شنیده اید
وز او برای من چه سخنها شنیده اید
در تاب او خیال منم بود یا صفا
افزوده گشت هیچ رخ دلشن او
بکجرف مهر از آلب شیرین شنیده اید
یسی این شکسته دلخسته بجای گرفت
هر سطر آن بگونه از جوی نشسته بود

گفتم شویید در بر آنمه لسان من
گفتم مگر زبان سخنگوی من شوید
در گشته این نزد من از پیش یار من
من با وجود دوری از او مردم از فراق
اکنون بیا که خاک ز دجش بر سر کبیم
گویند با من آنچه از آسما دیده اید
از قول من بدانگسل رعنا چه گفته اید
در چشم او نشان وفا بود یا صفا
در بر نپسید هیچ دل ناز بهت او
یکشده هیچ از آن دهر غنچه دیده اید
از من مراسلات خود زبانشان گرفت
آن نامه ها بعسر من خسته بسته بود

ناصر مثنوی (مستمر)

ز من آسیر و حرامان نظری بود ترا
ایشب غصه و غم گر سعری بود ترا
بچه من عاشق خونین حکری بود ترا

از دل سوخته ام گر خبری بود ترا
میکنشدم ر دل غمزه آه سعری
توسم امروز بسر م تو دانی بود ترا

کاشانی قطبای

فلو سار صفت بزد پجیده گشتم
گر سره بجای جواب در دیده گشتم

دور از تو جو آه از دل غم دیده گشتم
مژگانم هم آسما نگردد بس تو

ایزدی یزدی

وی فاصد صفا نان یغانی
قهری، لطفی، مسمی، دنیامی

ایستاقی داده محبت حامی
تاکی صدف نیر تغافل باشم

کربلایی فکری

کای دروغ ایام عظیم در گزفتاری گدشت

بللی بی در افس میباید زان

محمد کرمهانی

ورده بعیرد از غم این بیر زان خسته

لی بوجوان صفا کی کام تلم روا کن

نمیدانم از کیست

زریاک زردو باده سرخ و حشیش سبز
 ز شوق آن خط مشکین چو مهر از نامه برگیرم
 مکتوب دلتواز تو آمد بسوی من
 از ترس آنکه سیل مر شکم بشویدش
 شمه از گل روی تو به بلبل گفتم
 داسفان شب هجران تو گفتم ما شمع
 فوقی تعمیر نمیساخت با آب و گل من
 سالها قدرها خامه تخمیر کشید
 بعد چشتم تو مصور چو به ابرو پرداخت
 لاغری بین که در اندیشه تقسم نقاش
 دل دیوانه که آزار خلاق میجست
 گر خرابم کنی ای عشق چنان کن باری
 شادم که بقدر اینک در دست تو دارم دست
 با خیال نوشی ختم و با خود گفتم
 بلبل بناغ روز ازل چونکه یا نهاد
 لول با بود بسوزد عاشقان
 قاصد رسید و نامه رسید و خرد رسید
 نامه آنه رسید قلب حزین شاد شد
 رسیدم و بر مردمک دانه نهادم
 لک ایته ای نامه عشرت افزا
 منت خشک چرا میبری از آب حیات
 هر برگ که از ناله مروان آمده دستی است

روز سفید ما بکنند عاقبت سسیله
 اگر صد بار خوانم تا پایانش ز سر گیرم
 یوسیدهش بدیده گریان نسهادهش
 از دیده بر گرفتم و در جان نهادمش
 آن ننگ حوصله سرای گلستانم کرد
 انقدر سوخت که از گفته پشیمانم برد
 خامه سیل غم آباد که ویرانم کرد
 قامت بود قیامت که چنین دور کشید
 شد چنان مست که بر روی نوشه شیر کشید
 اندر ماند که تصویر مرا بی کشید
 عاقبت زلف تو اش خوب از نچیر کشید
 که نیاید دگر منت تعمیر کشید
 دانم که نمیانی ایامد که می روی
 کاین مراد دو جهانست که در ر دارم
 گل دید عاشقت ما بر سفا نهاد
 آتش جان شمع قد کاین بسا نهاد
 در حیرتم که جان بکدامین فدا کنم
 دیده بخطش فداد دل زغم آزاد شد
 بچیدم و آمویشدل سوخته کردم
 بها آمدی مرحبا لک و اهلا
 تو که قدرت باب خویش میکند داری
 بی برگ و ثوابانده که باده پرستی است

زیش دیده من همچو عدرای یوفارتی
 روز گل شب شمع بودن کار دلدارمنت
 با همیشه ما ز فراق تو بی سرو پائیم
 ایماه بر زمین بی طاعت جبین منه
 خواب دیدم که بر لب تو گرفتار شدم
 ما بر تقسیم تو دانی و دل غمخور ما
 اگر شبی سفر جبین زلف خواهی کرد
 پس ازینم عرصه اشک دل آید بیرون
 یادت نمیکشم همه عمر زانکه یاد
 مجنون بهوای روی لیلی در دشت
 میرفت همیشه بر زبانش لیلی
 الهی سیه باد روی فراق
 فراق تو ای مایه شادیم
 دای ز چه بی حجاب میخندد صبح
 این غمگده چون مقام خدیوین نیست
 دردا که درین زمانه غم پرورد
 هر روز فراق دوستی باید دید
 چشم مخمور تو امروز چه حالی دارد
 من پیر سالومانیم یار یوفاست
 جوانم من ولی هجرانست ماهی
 خوشم ز سنک حوادث که استخوان مرا
 من و یطانی را سر بهم لادی کجا رفتی
 بلبل و پروانه بودن روز و شب کارمنت
 ترا کسی که بخاطر نیربت مائیم
 آنرو برا برای خدا بر زمین منه
 این سیه بخنی من بود نه بیدار شدم
 بخت بد تا یکجا میکشد آبتخور ما
 ز راه بندر صورت برو که مهتابست
 آب چون کم شود از چشمه گل آید بیرون
 آنکس کند که دلیرش از یاد میرود
 چون باد به جستجوی لیلی میگفت
 لیلی میگفت تا زبانش میگفت
 ده باران ز باران جدا میکند
 چگونیم که با ما چه میکند
 افکنده زرخ نقاب میخندد صبح
 بر خنده آفتاب میخندد صبح
 حیفا که درین سراجة عمر نورد
 هر لحظه وداع همدمی باید کرد
 مژه خوابانده نشانم چه خیالی دارد
 بر من جو عمر میگردد پیران آ شدم
 بدیسان در نظرها کرده پیرم
 چنان شکست نه فارغ ز مویبائی کرد

من دست دحیتم شرایم مدهیند در آتشم افکنید و آب مدهیند
 گر شکر کنم و گوشتاب آغازم باد است حدیث من جوایم مدهیند
 لب بر لب نهاد و چوبی زدرد نیب گفتم خموش باش که جان بر لب آمده
 یکی پرسید از آن شوی درنده ایام نه تو چه نوست داری گفتم دشنام
 نهر که چیزی نه مرده مینهدم بجز دشنام منت مینهدم
 گفتم با طاهر دمه بار پدر ~~صفت~~ دگر دشه بر کمر بزد
 نگذارد قدم ز حانه برون صبح تا آفتاب سر برود
 شاه خالی کند رود مسیر بصر املی دگر بسر بزند
 گفتمش این سه چیز معلومست بر چرا گفته دگسر نوزد
 گفتم یعنی ازین عمل شما ضروری میرسد اگر نوزد؟
 گفتم آری نمیتوانم دبیسد
 ناچین چهره و امروز تو آراسته هر که آینه دست نودهد دشمن تست
 درین گلزار مسکین لاله هم پادشاهی دارد چرا داغی نسوزد بر چکر او هم دلی دارد
 عسکرت به که دوچمن چون صبا کنم کسب هنر گذارم و کسب هوا کنم
 دلا عرب بستی زوت کی هتیار خواهی شد ~~سحر~~ در خواب و شب در خواب کی دینار خواهی شد
 هوا در عطر سائی ماره از موی تو میگیرد صبا در گرد گل میگردد و بوی تو میگیرد
 تو گر با ما شیبی سالها عادت نگردانی و در گل با تو بنشیدد منی او تو میگیرد
 وقت ه کار نگه دار نه یکو بود نوشدارو که پس از مرگ بهیاب دهد
 من زین دوروزه عمر بر حرم چه میکنند بیچاره خضر زندگی بجوده را
 بزرگ اوست که بر خاک هجو سابه ایر چنان رود که دل مورد را برآورد
 ای عکبوت غصه رکعتی بخور صید نوی پرست ولی ناز کمیت

خیز و تنال من بیانه گساری
 نه لب نعلی نه فرگسان مکحولی
 هیچش نه و دارد آنچه خوبان دارند
 دست من گیر که ایندست همانست که من
 بیاز خوش بگو گر نصیحتی داری
 با طیب که رضی تکو علاج کند
 دس میاهای کاین روز گار ما من کرد
 سوار بود جوانی شتاب کردو برفت
 خوش بود در طرف گلشن یانه بادلیز کهنین
 لعل جانفشش مکین از رخس گلزار دیدن
 گرتالم بار بی مهرم شاسد و بر بقالم
 وصلی دلر گر نگردد ممکن از بیم رفیان
 دوش زلف سببت بنده نو ازها کرد
 مال گرد آر درتیمین خاک
 گر ببری و دشمنان بخورد
 من موی خویش نه از آن میکم سیاه
 هر جامه بوقت عصیت سه میکنند
 خمیر مابه دکان شبیه گر سنگست
 دل خمیده من مایل نمت
 گر بپروخ چونماه نوای جان جهان
 حسن تو نهان نگردد ای ماه بدان
 ایسودای دل ای نور خمیر
 کز تف آهم بسورد خامه ام
 کار با بن خوبی استناره ندارد
 نه گونه گلی نه سبیلان مرغولی
 من زقت بدیده ام بدین مقبولی
 سالها از غم هجران تو بر سر زده ام
 چو خویشن پذیری مگو که نپذیرد
 ولیک خود بهمان درد عاقبت بود
 سید عارض من رنگ دوزگار گرفت
 ز گرد موکب او زوی من شپار گرفت
 در گلستان هست و سرحد من بارادر بر کشدن
 از دو چشمس هست گشت ترا ایس مسافر کشدن
 بیست در من عاقبت یکنا نه دیگر کسین
 نقش دل را توان در صفحه دل بر کشدن
 دل دیوانه رجیر تو نازها حشرد
 تا درین کچه خاصندان باشی
 به که محتاج دوشناب باشی
 تا باز تو جوان نوم و یوکنم گداه
 من موی در عرای جوانی کم سیاه
 عدو شود سبب جبر اگر خدا خواهد
 دگر جانا تو میدانی دل است
 از آبله چون ستارگان هست نشان
 هر گر ز ستاره مه بگفته است همان
 زان نویسم نامه مویت دیر در
 وز سر بکم پاک گردد نامه ام

کرم بیخ ارم کشته بود کرم بخورد
 چو زرفتن نومردم تو نشاط کن که هرگز
 دارم دلی که دارد هر ذره اش هوایی
 آندوئی که مبعثیدیم از خدا
 بلا ندیده دعا را شروع باید کرد
 نادره پیری زعرب هوشمند
 بر سر این مستند و این تکیه گاه
 بر مبری چون سپر آسمان
 دیدم و دیدم که زاین زیاد
 باز بوقتی سر آن خیره سر
 باز چو مصعب سروسردار شد
 شد سر مصعب بمجازات کار
 به زبوی عرق آلوده دچار شدم
 غلظت اینک که گویند دل رهت دارا
 اگر در خواب دیدم شام روز جدائی را
 اگر بروز قیامت کشید و وصل چه شد
 بمسجدی که در آن شوخ در بای منست
 یاغبانان فلکرا دست و پایا یاد برید
 همه جا فضا دیوانگی محتویست
 دروه عشق سر تیشه زدن آسان نیست
 بلنی بنشست در طرفی چمن
 ما ز سر مای زمستان رسته ایم
 بگوش هر که بگفتم کرم بگفت کرم
 بمراد خاطر خود به زین سفر نکردی
 چون خرقة گدایان هر یاره زجائی
 پرسیده راه خانه و خورد پردر آمده
 علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد
 گفت به عبدالملك از روی پند
 زیر همین فیه و این بار ماه
 غیرت خوشید مری خونچکان
 دید و چها دید که چشم میاد
 بد بر مختار بروی سپر
 دستم او سر مختار شد
 یا سر او نا چکند روزگار
 فغان که گشته ششیر آردار شدم
 دل می زغصه خون شد دل او خبر ندارد
 بدل هر گر ببگردم خیال آشنائی را
 وصال یار باین انتظار میارزد
 روم بسجده آن خانه خدای منست
 در جهان نعم چنانچه چرا میکشند
 هیچ کسرا خبری نیست که لیلی چو نیست
 کرد فرهاد درین مرحله شیرین کاری
 هر زمان میگفت با جفت این سخن
 دل بامید گلستان بسته ایم

گل درین بساطت پیس خور اعیان چند
 با شے آمد و بودش تا کجوان
 عمر کوبه بین و امید دواز
 خدا شد منجر که او بدو کیست
 میردت و ز کفر . انش ایمان و رحمت
 خون دل کافر و مسلمان در سخت
 بنیاد بدی که ایمان هم بد و بنیاد کشید
 زانکه در بنیاد است اگر بس . کلام است
 فریاد میکند سینه و در بنیاد است
 غم بخورم در و ناک اگر بنیاد
 کردش این و بهار اگر بنیاد
 آسمان خانه حراب اول و است
 بدی که خاکش در است و است
 که دارد پیر گریه صد پای و کمال
 که ای کرده رسوا و است و است
 من از غم کدوان چه شمع در جان
 عیبی نشد در است و است و است
 بالای دو چشم حیرت و است و است
 از آرزوی وصل و یا بیم جدایی
 خلقی سر راه که است و است
 و اندرون جانب سلام سلامت
 پیچیده رحمت ماند ای دانه روز
 دهان گل زار نا شهنشه است

مارخ زیبایی گل خواهم دید
 این سخن بردش هنوز اندر دهان
 در دهان با شه بیل گست باز
 فدای چشم - بیاعت شوم در محشر
 مباد و از نگاه او جان میریخت
 از هر آندش قیامت بر میخواست
 من مردن را ضمیمه پیشم نباید اجل
 بگنشته زادمی که دهر فرق نیک و بد
 نشیده کرک که بد مرغکی صعیف
 می بخورم چشم بار اگر بگدازد
 زلف و رخسرا تون معایبه کردن
 تا یکی در پی تخریب شاهان دانست
 نسیمای کتم جان عداوت کتر کن
 سرو تا بر سرو والا نگداری
 اگر از من خصه با آن به پوش
 تو سرخوش نشسته بره افیان
 ابرو بود کز آن است دلجو را
 از غایت کبر می سیار در در
 تو فارغ و جمعی بخواند تو در آشوب
 جمعی به نزل که ماما روی از بزم
 غم دارم حکر دلت بیرون کتم
 دهانت نگال ماند ای دلبر از
 رخت شچه ایکن شکفته تمام

خوبان بدیار حسن چونروی آرید	کان شهر شمانت
دارم بشما وصیتی مگنارید	از کف که خطاست
دل نام جگر گوشه از من روزی	نجا شده گم
گر زنده بیند عزیزش دارد	گر مصر و عاست
می ز اندازه فروش بده ایسانی بزم	تا خراب افتد و ما نمت بکاری بزم
حما سوار برای نظاره رخ بار	سری کشیم و نگاهی کنیم و آب شویم
ریاضت شب هجران چندان ضعیف کرد	که در جواب اگر با نهم نباشد کند
سابقا می ده که دور کامرانی امشب است	بخت ما را روز بازار جوانی امشب است
ماه فرخ رخ پیک امشب خوش بر آنوقت صبح	کافران را هوای مهربانی امشب است
ایدن از خلوتسرای سیند بیرون به قدم	زانکه جانرا خلوتی بدیار چنانی امشب است
بار میآید و نمیآید	غیر میآید و نمیآید
ابنات تو بر کزل ممالک شده فرد	سر بر خط قومان تو دارد زن و مرد
گسر جمله کایات کافر گردند	بر دامن کبریات دشتبند گگرد
گر مویسز نویست ایدر خوشاب	زین فسه مباحش بکسر مو در ناب
تو شعله آتشی و روشن باشد	کانداز سر شعله مو میآرد تاب
در جهان کسرا می بینم سزای خویشتن	میانم چون بد مجنون سر برانی خویشتن
پوشاچی که بنسبم بری شکست میادم	بکام دن بگردم گرم هرگز آتینانی را
در بزم طرب راه مده همچو منی را	کافسده دن افسرده کند انجینی را (۱)
مواست بر مردم همه خار محبت است	یکیک بیا خلبده و از سر بدر شده
خون میخورد چونغ در پی دوره هرثه او	بگروی و یکزبان بود از یاک گره ری
و آنکری که همچو شاه دورویست و صلزیان	بر فرق خویش جای دهملش بسروزی

(۱) این شعر تا تیرانی در مصراع اول بنا بر معنی هجرت است و معنی بصری و نام معنی

از دست من گذارناید مهمانی چو تو پادشاهی
تا یکی پوشی رخس یارب برافتی ای نقاب
بدخل و خرج خود مردم نظر کن ** چو دخلت نیست خرج آمده تر کن
هر زلفی که بی تو باشد ** سرگی است بنام زلفگانی

زمانای زرکش اصم زانی
خوش آرمیده فافله عمر ما گذشت کردی نشد زگردن این کاروان بلند
زمانای اردستانی
گر و حشبانه از روش خلق میرمم غلام بسی بیجاست که آدم ندیده ام

انجام



دانی صکه ز بعد رفتن تو
 بر من چه گذشت از غم تو
 همچون زن شوی مرده بدم
 تو رفتی و از پس تو جام
 این جانب بلب رسیده من
 های ای گل شاخ مهربانی
 روی تو هنوز ناشکفته
 تو زیور و زیمه باغ بودی
 گونی صکه نظامی ستوده
 ای تازه گل خزان رسیده

وان در بر خالک خفتن آسود
 چون بودم من ز ماتم تو
 چون بلب نیر خورده بودم
 بر لب شد و گوی زنده مانم
 گسرید چو بانگه دیده من
 پرموده شدی او در جوانی
 در بسا ده خالک شد نهاده
 چون گوهر شجرایع بر لب
 سر و صفت نه آن سخن رسیده
 در فلک ز جهان ستم رسیده

دختران امروز مادران فردا

ای دخترکانت ماهر حیار
 بند من بیدل دله ستار
 غافل نشوید مروع کار
 ای پرند گیان معر دلدار
 با آنکه شویند محرم راز
 غره مشویند در رخ خوب
 جز خلق نکوی و خوی مطلوب
 پیشین ماسه را بر آشوب
 جز سعی شبا و صدر ایوب
 کار ام کرد زمانه را با

وقت است اگر برون باشد
 در تل نهد و روس باشد
 اگر نماند روزان بوس باشد
 که سست که بزند به نر باشد
 کان نم حه گیل صبر باشد
 جوانان زمانه با اساز
 و من ظلمت صدم ز رخ باشد
 از غم شد و حجت است باید

ای دخترکانت راحت آموز
 در کیفه چو برق خاهاستور
 سر قامت زلف دلمبر
 ناکی چو عجز کان پیر دور
 کاین ریح بود جان را با

در تاس و سر روی نماند
 با درمن جود صبی نماند
 هر حسانه در روی نماند
 که خود و نماند به نام شد

نیل آینده

ایم رخ سحر چو گشتی آزاد	از قید هوا و خود پرستی
ایمن شدی از زجور و بیداد	و ز کبیه روزگار حسنی
پرواز کنان تماشاخ تمشاد	در فصل بهار اگر نشی
ما را بخدا مهر تسو از یاد	آبروز کزین کسند بهی

زین طایر پر شکسته یاد آر

ای ماه چو بگنوی برین خاک	روزی که زمانه گیرد آرام
یاد آر ز بسند کار امسالک	و اندل کس سوره دایهنگام
یاد آر ز جور جرخ بی ناله	و انکس ز نماند و مرد دا کلام
یاد آر تسو مرعراز افلاک	و انکس که عشق بود بنام

و انکس که ز تسو بود از ار

ای کس دلک غنم رومانی	چور شد سیری زمانه ما
علی شد چو بهدوش حدانی	ای نهضت حیدر دانسته ما
جون ماهه چور و بیوفانی	پای تسو رسد بخانه ما
یاد آر در روز پس توانی	کس کسای سوره زعم از لاله ما

که از ره زور و رنج سیار

ایم سوره دراره عالم	ای المل سی توانی سی کس
این باغ شود دوباره جرم	گل آید و پس ازین روز کس
اسباب خوشی شود تسو نام	آباد شود جهان ازین پس
ای غمزده پس ازین چور تسو	تلداری بدلان نفسی

کاین قدر پس رسد باچار

پیام

ای ماه تسو بگنوی بگلزار	این بکس زهن بگنوی بدلان
در یاد همسوز داری تا	روزی نه گنوی چو گلستان
من بودم و تو اطرفی کمالی	غار از من و تو بود از

گفتی که خزان رسید آرخ
گفتم که خزان عشق ما نیز
آزرد شدی تو زین نظر
گفتم که تاجهات چنین است
امروز که موقع جدائی است
کنند پس خرمی غمی هست

روزی که زمانه گببرد آرام
ایمان رخ سواره دانسدان
روزی که دوری تو حانا
ما را بخدا ~~بسیار~~ فراموش
این داشته را که بی امروز
یکجند بخوشی غمی ز دست
ایراد جز بگفتی دانگور
کای آفت جهان غم مدان
یاد آواز آنکه با تو مکچند

غزلیات

ز این باغرا ای باغیان روی آنکس
دل از جوربت شک آید هر این شیبانی دل
حقا قسم که نمی دانم بر این روفاود
مسم بذات خدا داین خدا برستی ما
تذیم عمت حضرت ولی عزرا اندوس
نو کیمانی سعادت که در جوان ندیم
نیست جز دلبری و شور و شرم پند
ای آنکه غمی دیگر ای در هلاک ما

آنرا ای به به خدا ای ای به خدا
ز دنگر روان باوی و دور داناسکتا
مدوم به ای سار جوربت دور پنداسکتا
هزار آس نام زد بر حدت ندستی ما
نخاسته مران رس داشت غمی ندستی ما
گساده زوئی ما بر غمی ندستی ما
سست از جوربت دور و روح و اله پندما
آنرا و غمی باقی در پنداسکتا ما

ما گام خربشمن اگر قسیم از و او
 یارب چرا نبود دل تیره بخت ما
 ما پادشاه کشور بد بختی ایم از آنک
 به سوی نویسی قضاغه اودام باز
 در شب حیرم و از وصل تو شادم آری
 روی اثر و خه بین مهینه مو زان سنگر
 تکوه از خدائی این خلق نفیسی دارم
 تا از سر گوی یار دوریم
 دارا بخت کن ای طایب دلها
 دل ما معزیه در زلف تو آرام گرفت
 هر که ز حال در خیم اطرافه دلش نیست
 درین زین ز گل و لاله خواهی دوست
 قدم پر وی چنان که ناله دل دانست
 هر که غم در دلت از غم من نیست
 دل بخت کنه را در نویسی با شادمان
 از غم در وصال تو بگم مرا دوست
 آنچه مرد مرا درین دوزان سر با سینه بود
 هر که در ایست پس بره از رنگ لعل
 مرده من بر زین معانی اندر برودن
 ز دوست گشت آنکس که ز دوستی
 از حقیقت دم بزرگ با حیا نیریشمن
 در حیا که غصه بود گمرد آمد و دل شد
 آخر تکم خویش رسید از ملائکه
 روزی ز قدر کشیدمش از ورطه رخت ما
 غم بده باز سینه پیش تخت ما
 درین غم سفر از دست جفوق نیست مرا
 را اگر در بار تو از دیده بروز نیست مرا
 ای آن که گوی تا من سوی درو نیست مرا
 منکره ز دربار درم پیر نیست مرا
 ما بخت کنه ایست منزل ما
 کز این که در خلاج ما
 این سیاهی در سینه بختی از آن وام گرفت
 غم بد از در جهان اما معاد نیست
 انبیاة دل همه گرس من با ان جست
 که ترض است در آیم از بهانی است
 بجزیم که چرا نیست غم در دلم نیست
 بشی که گشتی آورد همه در آید است
 و در آن بخت کنه ما از غم مرا نیست
 یاد و رنگی بود در سینه با اتفاق کینه بود
 با آن انان که باها صافی جویست آینه بود
 از این که گشت آنکس که ز دوستی
 اگر خدایت بود زین حیا نیریشمن بود
 و آنست مردم بخشدین همون فانی شد

چرخه پاره چند چیز دیگر نسیدیدیم
 گر شکستی مریدی نزدیک ساحلی شد
 ز اهدی در حرم خواند و ندانست که ما
 رشته المت ازین طایفه بگسیخته ایم
 دل با خاره پر پیچ و خم آویخته ایم
 غنچه دلبر مرا وقت سخن بیسایبین
 تنگتر از دهان او ابدل من بیسایبین
 ای برون رفقه ز راه مهر و رسم آشتی
 یاد باد آن دلتوازیها که با ما داشتی
 تو بسی بی مهر تر از آنچه من پنداشتم
 من بسی داداده تر از آنچه تو پنداشتی
 یکنما (مهاجر) (۱)

من همه روز که دیدم رخ زیبای ترا
 خوانده بودم ورق محبت فردای ترا
 از برای من محبت زده میخواست بلا
 آنکه آراست بنین قاعده بالای ترا
 زلفت بر روی مفسان که فراوان دیدیم
 دور از روی تو ایامه شب بلدای ترا
 دست ششم ز جان و دل و دین و زردال
 نایبیم و سعد فسمت ما پای ترا
 رفت سرت سر صکار تو و مقنور شد
 که هم از سو نمودار زده سودای سرا
 چون عمار در بار و گوی بگو گردیدیم
 که بچونم مگر منزل و باوای سرا
 حانی بر در دلم ما بود و زلفت پوست
 لا جرم باز بچونیم ز کس بجای سرا
 چون از آب روان آنچه گر گشت بود
 بهتر از دهنه من آینه سمای سرا
 حاش الله مگر ازین بار نرم خواهی گشت
 من در آنم که برم جز بهر شکوای سرا
 حسد آخور شمع است به از این دارم
 که کسی قدر ندانم یکنمای سرا
 فدای جان و نیت ای نگار جهان و اسم
 ز دانا وجود سحر فارغ ز بود خوبشتم
 شکفت لبست ز دست عدت که در محشر
 ز من پس همه آند اگر دست از بند
 خوشا حقون و رایالت و از برای خانی

(۱) شخص حضرت تنگای سردا احمد بن اشرفی است که بنا بر آتش بر حور بوده و بعد از آنکه برزا شد، خان و احمد بن اشرفی دو شخص مختلفند. بعد از آنکه مطلع معظم ۹۱۸ در ذیل اسامی اشعار مطلع رسانده ام
 یزید خان

خون من بساغر کرد از خدا نیندیشی
تا چه شکر خواهد دید هر که همچو من داند
خوان-حسن او را هست از لبان نمک لیکن
با موافقت خصمی یا مناققان خویشی
چشم مهربانی از خیر خود نیندیشی
بر کسی نصیرزد جز بموضع ریشی

واقف هندی

خست عشقم و مسوزد دل غمگی ما
دوش داد سوختن دادیم در زمت ولی
گل ر من فاعده چاره درین آموخت
حدیث شوخی چشمهت شنیده آمده ام
درد و دیده تا نبی دارم
چشمم گر ندیم از بختای پیری
از خدا خواستی ایگش جوانمردگی من
گرچه پیری نگذارد که قدم بر دارم

نیست غیر از شمع بگداسوز بر بالین ما
کس بجایند سر جز شمع در تحسین ما
بلبل از من روتن ناله کشیدن آموخت
رای آنکه بیم ندیده آمده ام
دست از گره بر میدارم
کز سر و آمدنی نیست بلای پیری
آنکه در بازه من کرد دعای پیری
میروم بک سوی مرگ پسای پیری

هفت بختیاری

بجهانی رضا دادم از آبرو
که پشتم بار منت ور ندارد
ز دست گر شها یافت بدم
الهی غایت سر بر ندارد

نیازی صفوی

دستی اگر از مقابل ما
دفتن توانی از دل ما
بیم پیری و مهربانی آموخت
ما را دل تو ترا دل ما
افسوس در شمع آنچه شد
بود آنکه چراغ محفل ما
مرا هست آشیان در گلشن اما
دران گلشن که گلچین باغبانست
میان ما من تا ما گردون
تفاوت از زمین تا آسمانست
پزی پنهان ز مردم ایچنان نیست
که از من آن پری پیکر نهانست

گر از ناله و آه سکازی بر آید	آمنای هر دلشکری بر آید
شود از نو افزون بدل خار خارم	ز پای دل هر که خاری بسر آید
گر چه دل بهره از و غیر جفائی برد	چو کند گز در او راه بجائی نبرد
عاشق آنست که از وصل نگرده آگاه	درد آنست که راهی بند وائی نبرد
حای رحمت بصیدی که چو آزاد شود	راه از حدان همان بجائی نبرد
خو هم از کوی تو از خوبی تو بر ندیم رخت	باز اگر بخت بدم سوی بلائی نبرد
ترا چون آشنائی نیست با دل	نمیشد با تو اینکاش آشنا دل
بجز جانتان نخواهد از خدا جان	بجز دلبر نخواهد از خدا دل
جفا از دلبران هر گز نمیدید	نمیشد آشنا گدسا وفا دل
نمیدانم که چون شد چون دل من	همیدانم که خونند خون دل من
گردید شمع محفل اغیار یار من	شد روز من سیاهنزار روز کار من
یک لحظه در بر من بدل قرار گیر	گردد مگر هزار دل بنزار من
وقتی گفتت کار من از کار بر سرم	آمد ولی چسب سود نیامد بکار من
نیست با ما نسر اسر باری	با نسرمانست و خدا تار من
می پرستی و قام بر سر مخانه زغن	روز بجه بر تن و نیت مهره مسلمانان
هانش اندر نی تخریب وطن گوشه بد	لاها آنکه ازین همه بر نماند
پیش ما باشد با مرگ هم آشن من	بیشد بر رشتا خود سنگ به درماندن
در سینه آه گم شد و ندانم نماند	این - در بوم بر سر در من نماند
حواصی عدم کجاست که آسوده دل شویم	صم حوی ماز نماند افی
	فارع ز بسببهای اس منعت اول شویم

طیب اصفهانی

غمت در ناله‌ها دل نشیند	بنازی که لبی به محمل نشیند
اندبال محمل چنان زار گویم	که از گریه‌ام باقه در گل نشیند
بی دلقه این اتم آهسته ترسم	غباری بدانان محمل نشیند
مروجان دلم را کداین مرغ وحشی	زیای که برخاست مشکل نشیند
سدازم برم محبت و انجا	گدائی بشاری و قابل نشیند

قسمت کدانی شاه کوی کشت دیگر دار^{۴۰} که از آن مرحله من دل‌نگران استم بار
 من و در هر صورتی بچه تاب و چه توان
 بیو محتاج چنانم که فقیری سلم
 بی تو بر سبزه‌زم هر چه درین بادیه سنگ
 سخت در مانده‌ام ای خضر خدایا مددی
 همه تر وصل و ندانم بکه نالم از هر
 من و از کوی تو دوری بچه صد و چه قرار
 بتو مشتاق چنانم که غریبی به کنار
 بی تو در دل شکم هر چه در این ناحیه خار
 کاروان رفته و افتاده مرا در گل بار
 همه حرمت و ندانم بکه گویم ز عمار

علی دیلمی

ازین انقامت دعا نگر زیر پای کیستی بالا نگر

محمود اعمی بختیاری (مدرس)

از دست تو ز یاد کسی نماند بگو غبر تو در یاد رسی دانسته بافتد

فنائی جغتائی

نگویم هر که یافت قدومت جانم دارم	شریم خاکسارم گوشه ویرانه دارم
و سد هر کس که مقصودی ز یارب یارب شایا ^{۴۱}	چرا مقصود من حاصل نشد یارب زواریا

سلیم طرشتی

جو گردد باد حوادث شود غبار انگیز پناه مردم بی دست و پا چو هژگان بانس

جناب اصفهانی

اسرم بی تو ایتم یکدم زارم گرفتارم بخون غلبیده‌ام اشکم ز چشم افتاده‌ام

منصف شیرازی

سهو از ظلم روزگار انعام (حوشعر خوب که از انتخاب می‌افتد)

اصلاحات واجب

در صفحه ۹ سلطان نیریزید بسطامی خطلو سلطان ابویزید مظفری صحیح است
 ۱- در صفحه ۱۴ اثرالدین بلخی و ابن الدین اخصبکتی یکنفر و نام دوم
 صحیح است

۲- در صفحه ۱۵ احمد اشتری و میرزا احمد خان یکنفر و فخاص ایشان یکتا است
 ۵ در جای خود ذکر شده است

۳- در صفحه ۲۴ از هفت بیت که به اسیر اصفهانی است داده شده فقط
 شعر اول (بسکه دیرم از جدائیها) از و شش بیت دیگر از امیری
 اصفهانیست ۵ نامش پائین تر افتاده است

۴- در صفحه ۲۵ دو شعر اول زیر اسم اشراقی اصفهانی از میر محمد باقر
 اشراقی اصفهانی و سه شعر دیگر از میوزا عبدالرزاق اشراقی اصفهانی است
 لذا بین مطرهای ۵ و ۶ باید مجزا نموده شود (اشراقی اصفهانی) اشعار
 اینشاعر اینست (از خدا بر کس نگذار) (ز دیده ۱۰) (جو دشاخ ۰)

۵- در صفحه ۳۲ آمدن طهرانی و آمدن طهرانی یکنفر و نام دوم صحیح است

۶- در صفحه ۶۱ جبرانی همدانی و غنی یکنفر و بهر دو صورت ضبط شده است

۷- در صفحه ۱۲۱ خاور شیرازی با خاوری شیرازی در صفحه ۱۲۲ یکنفر
 و تخلصش بهر دو صورت نوشته شده است

۸- در صفحه ۱۲۶ شعر دوم ذیل نام خضری قزوینی از خضری خونسار است
 شعر اینست (موق ز سر زلف)

۹- در صفحه ۱۶۲ زمان یزدی و زمانی یزدی یکنفر و بهر دو صورت ضبط شده است

۱۰- در صفحه ۱۶۸ شعر ابتدای صفحه از آذر بگدلی است اما سامانی و در همین
 صفحه سائلی قهستانی و سائل رازی یکنفر و نام صحیح او سائل رازی است

۱۱- در صفحه ۲۴۷ شعرهای هفت و هشتم ذیل اسم شوقی تبریزی از شوقی
 ساوحی است و آندو بیت اینست (در و وقت از ۱۰) (چون ارق میبندد)

۱۲- در صفحه ۳۰۵ صوفی هاندرانی است و همدو فی ماز برای صحیح است

۱۳- در صفحه ۳۲۴ دو شعر از طرف شیرازی مسمی به محمد رفیع ذیل

کسانیکه در نسبتشان اشتباه شده است

صفحه	شعرا	صوواب
۵	آزاد اصفهانی	آزاد حقی
۲۵	اشرفی خجندی	اشرفی سمرقندی
۵۵	بدیع الزمان شیرازی	بدیع الزمان سبزواری
۳۰۰	صرفی کاسانی	صرفی ساموخی
۳۰۲	صفهائی همدانی	صفهائی هلاکوی
۳۱۶	صفهائی اصفهانی	صفهائی شیخ آری
۴۴۵	فرات اصفهانی	فرات درغی
۵۹۸	معزی سمرقندی	معزی شهابی
۸۱۴	خروشی اصفهانی	خروشی تبریزی
۸۶۰	صالی هندیه سانی	صالی آریستان

برای اطلاع از نسبت کسانیکه در متن کتاب بشمار افزاید شده است فهرست
اسامی رجوع شود

اصلاحات دیگر

صفحه	خطا	صوواب
۱۶	قاضی احمد	قاضی احمد لایق سیمه‌دان
۲۲	اسرار سبزواری	اسرار سبزواری
۴۶	بیانی هروی	بیانی هروی
۸۰	تندر همی	اشرفی همی
۱۲۶	خانمی طایران	خانمی طایران
۱۶۷	سامانی بندمار	سامانی و جباری از حاصل بندمار
۳۲۶	طغری هروی	طغری هروی
۵۹۲	مظفر هوی	مظفر هوی
۴۴۰	شیرازی	شیرازی هروی
۵۱۳	مایل کاسانی	مایل کاسانی
۶۰۹	منشی طایران	منشی طایران سانی
۷۷۶	ایتر احمد کوی	ایتر احمد کوی

فهرست اسامی شعراء

- ۱- قبل از اصلاح کتاب خویش بدین قسمت مراجعه فرمائید
- ۲- در مراجعه اسم و تخلص هر دو را در نظر بگیرید
- ۳- در برابر اسامی یکشکل نمره ترتیب گذاشته شده است
- ۴- در مواردی که اسم یکشکل بود صورت دیده شده است بین آن دو خط فاصله گذاشته شده است

۵- اسامی اجنماعی و مشکوک شعراء در برائت جای داده شده است

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
آبانی طبرانی	بهرالله خان	۱	آشنای دهلوی محمد طاهر		
آبی بختیاری	ابوالحسن	۲	ملقب به عنایت خان		۷۷۳
آتش اصفهانی میرزا حسن		۳			۶
آتش اصفهانی سید محمد		۴	آنوب طبرانی ابوالقاسم		۷
آذریگدلی لطفعلی بیک		۵	آنوب امینی رحمه الله خان		۸
آذری طوسی نورالدین حمزه		۶	آصف بختیاری		۹
آرزوئی سمرقندی		۷	آصف قبی		۷۷۴
آزاد حبشی الماس		۸	آصفی کرمانی		۶
آزاد صمدانی علی محمدخان شهابی		۹			۷۷۴
آزادانک سمرقندی		۱۰	آصفی شروی		۱
آزاد نورخس سیدعلی خان		۷۷۲			۷
آزاد معذلی حسن خان		۱۱	آخاراحی آغا باجی		۱۰
		۸۹۷	آخار بیک خراسانی آغایم		۱۱
آزاد کشمیری محمدعلی		۷۷۳	آفاسی ساوسی		۱۲
آزاد صیدخت ویدی آردبخت		۱۰	آقوی تون		۱۳
آشنه نروانی کتاب حسین بیک		۱۱	آفرین اصفهانی زین العابدین		۱۴
آشفت حساسی نعمان الدین خان		۹۰۱	آقاسم قرآنی آغایم		۱۵
آغنه سیرازی		۶	آبادوست سزوری		۱۶
آشتیادزولی سیدمحمد طاهر		۷۷۳	آقاوحد اصفهانی		۱۷
			آقانی همدانی		۱۸
			آگاه و اجار اردشیر میرزا		۱۹

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
اثیر شیرازی	شقیعاً	۱۴	آگاهی خراسانی	عبدالحسین خان	۹
اثیرالدین اومانی	عبدالله	۰	آگوشیرازی	آقاعلی اشرف	۰
۷۷۵	۰	۰	آگوشی یزدی	۰	۰
اثیرالدین اخسیکتی	اثیرالدین	۱۴	آواره	بنام آینی رجوع شود	۷۷۴
۷۷۶	۰	۰	آهی چغتائی	۰	۰
اجری تبریزی	۰	۱۵	۷۷۴	۰	۰
احمد قزوینی	میرزا احمد	۰	آیاتی	عبدالحسین خان	۷۷۵
احمد اشتری	بنام یکتا رجوع شود	۰	ابدال اصفهانی	(ابدال)	۱۰
احمد جامی	ابونصر احمد	۰	ابن حسام خواجه	محمد	۸۹۶
احمد ساجدی	احمد خان	۰	ابن زین و بن فریوندی	امیر محمود	۱۰
۷۷۶	۰	۰	ابو اسمعیل هروی	ابو اسمعیل	۱۱
احمد کابلی	احمد	۷۷۶	ابوالعلاء گنجوی	نظام الدین	۰
احمد تهرانی	احمد	۱۶	ابوالفتح حسینی	نظام الدین ابوالفتح	۰
احمد علی میرزا قاجار	احمد علی میرزا	۰	ابوالفرج بروی	ابوالفرج	۰
احمد لاغر سیستانی	قاضی احمد	۰	ابوالقاسم فندرسکی	میرزا ابوالقاسم	۱۲
احمد نشتابوری	احمد	۰	ابوالقاسم کابلی	ابوالقاسم	۱۲
احمدی یختیاری	عبدالحسین خان	۰	ابوالقاسم شیرازی	ابوالقاسم	۰
احمد باوروشی	محمد حسین	۲۰	۷۷۵	۰	۰
اختر قشقائی	۰	۰	ابوبکر ترمذی	ابوبکر	۱۳
اختر گرجی	احمد بیگ	۰	ابو تراب جوشقائی	ابو تراب	۰
۷۷۷	۰	۰	ابو تراب بیگ	ابو تراب	۰
اختر اعی هندو	۰	۰	ابو سعید ابوالخیر	فضل الله	۰
اختری بروجنی	۰	۲۰	ابو علی رودباری	ابو علی	۱۴
اختری یزدی	۰	۰	ابوزینبده مظفری	سلطان ابوزینبده	۹
احمد یختیاری	محمد حسین	۰	اتس خوارزمشاه	سلطان اتس	۷۷۵
احمد اصفهانی	حسین خان	۷۷۷			

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
ادائی بزدی	محمد مومن	۷۷۷	اشرفی سمرقندی	عین الدین حسن	۲۵
ادائی سمرقندی		۲۱			۷۷۸
ادهم کاشانی	ادهم بیک	۰	اشکی قبی		۰
ادهم بیک قزوینی	ادهم بیک	۰	اصلی قبی	میر محمود	۳۶
ادیب پیشاوری	میرزا سید احمد	۰	اصلی مشهدی	محمد علی	۰
ادیب شیرازی (محمد جعفر)		۰	آظهری هندی	حیدر علی	۰
ادیب طوسی	محمد امین خان	۷۷۷			۷۷۸
ادیب پیشاوری	شیخ دالچراد	۲۲	اعجاز هراتی	ملا علی	۳۶
ارسلان مشهدی	قاسم ارسلان	۰	اعلائی		۰
ارشاد شیرازی		۰	افشار شیرازی	خواجہ افشار	۷۷۸
ازرقی هروی	زین الدین ابوبکر	۰	افسر سرداری	محمد شام میرزا شیخ الرئیس	۷۷۶
استرآبادی		۰			۲۶
امداد قمشه	رجوع شود نام دیوانه قدمنه	۲۲	افسر اصفهانی	عبدالرحیم	۲۷
اسدی طوسی	ابونصر علی	۲۳	افسر قاجار	محمد رضا امیرزا	۰
اسرار سوزاری	حاجی شیخ هادی	۰	افسر دولوی	شیخ کمال	۳۸
اسکافی	ابو حنیفه	۲۴	افسرده شیرازی		۰
اسیر اصفهانی	میرزا جلال	۰	افصح سمرقندی	میر محمد علی	۰
		۸۳۲	افضل لاهوری	شاه محمد افضل	۰
اسیری اصفهانی	حسین خان	۲۴	افضل کاشی	بابا افضل الدین	۰
		۷۷۸	افلاکی تبریزی		۰
اسیری قاپی		۰	وافلاکی بختیاری		۰
اشراق اصفهانی (۱)	میر محمد باقر داماد	۲۵	افندی مشهدی		۲۹
اشراق اصفهانی (۲)	عبدالرزاق	۰	اکبر اصفهانی	علی اکبر	۰
اشرف مراغه	ابوعلی حسین	۰	اکبر قزوینی	اکبر	۰
اشرف مازندرانی	محمد سید	۰	اکبر نظری	علی اکبر	۷۸۰

تخلص	اسم	ص
امیرالشعرا بام نازری خراسانی	رجوع شود	۴۵
امیر بیگ اصفهانی	امیر بیگ	۷۸۴
امیر حسین جلایر	امیر حسین	۳۴
امیر فخرالدین مسعود	فخرالدین مسعود	.
امیری فراهانی	سید صادق خان ازبک	الممالک
امیری گلپایگانی		۷۸۴
امین		.
امین قزوینی	امن	.
امینای زری میر	محمد امین	الذین ۳۶
امینای نجفی		.
امین		۷۸۵
امین الدین خراسانی	امین الدین	.
امین الدین	امین الدین	۳۶
امین گنابادی	حسن بیگ	.
انصاری اصفهان	موسس	۷۸۵
انصاری هروی	ابو اسماعیل عبدالله	.
انصاری قمی		.
انصاری داجار	ملک ابراهیم	۳۶
انصاری خراسانی	محمد زار	اهم
انیس شاملو	سید علی بیگ	۳۷
انیس		۷۸۵
انوار هروی	عبدالمین الدین علی بابا	الذین ۳۷
انوار همدانی		۳۷
انور زار	محمد ابراهیم خان	.
انوری ایروان	سید ابو حسن	الذین ۳۸
انوری همدانی		.
انوری همدانی		۲۹

تخلص	اسم	ص
اکبر بیگ کرمانی	اکبر بیگ	۲۹
الفت اصفهانی	شیخ محمد باقر	۷۸۰
الفت افشار کرمانی	محمد علی	۲۹
الفت کرمانی	ملا احمد	.
الفت مشهزی	عبدالله	۳۰
انقی طوسی		.
القاص میرزا صفوی	القاص میرزا	.
الهام اصفهانی	میرزا شریف	۷۸۰
الهی امدآبادی	میرزا محمدالدین	محمود
		۳۰
امام فخرالدین	ذکرالدین شریف	القصاة ۳۱
امام علی حاکم ازبک	امام علی خان	.
امامی خلخالی		.
امامی هروی	عبدالله	.
امانی هندی	امان الله خان	خلخال خان ۷۸۱
امتی تربتی	ابراهیم	۳۱
امید اصفهانی	محمد	.
امید باوندی	ابوالحسن	.
امدک و انتصابی		۷۸۱
امیدی طهرانی	ابو جاسم	.
امیر		۲۲
امیر هروی	مذکر بیگ خان	.
امیر		۷۸۲
امیر ابکی	سید احمد خان	۳۲
امیر آغاچی	ابو الحسن	امیر آغاچی علی ۳۳

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
بدر چاچری	بدرالدین	۵۳	اوحدی سبزواری	اوحدالدین	۳۹
بدرچ	حسن خان	۴	اوحدی مراغه	اوحدالدین	۴
بدرچ سبزواری	میرزا بدرچ الزمان	۷۸۷	۹۰۰	۴	۴
بدرچ الزمان شروی	حلیل خان	۵۳	اورنگ	عبدالحمید خان	۸۹۵
بدرچ الزمان سبزواری	بنام بدرچ		اصلی ترشیزی		۴۰
بدرچاری رجوع شود		۵۵	۷۸۶		
بدرچ الزمان کورکائی	بدرچ الزمان	۵۵	اصلی شیرازی		۴۰
بدرچی تبریزی		۵۵	ایرج ایرج میرزا جلال الملک		۴۵
بدرچی تونی	بدرچ الدین	۷۸۷	ایزدی	میرزا سلیم خان	۵۱
برجیس سختیاری	ابو غالب	۵۵	ایزدی شیرازی		۴
برقی حوثی	عبدالله	۷۸۷	ایزدی قزوینی	محمد شریف	۷۸۶
برهان ابرقوئی	میر برهان الدین	۴	ایزدی یزدی		۹۰۳
۵۵	۴		ایلدرم پایزید	ایدرم پایزید	۵۱
۴			ایمانی		۷۸۶
زهی اصفهانی	عبدالرسول	۷۸۷	ایوب ترک	ابوالدركه	۴
زهی استرآبادی	ذیاب	۵۶	باقر هروی	باقر	۴
ساحی سمرقندی		۵۶	باقر کاشانی	باقر خورده	۵۲
سمل شیرازی	حاجی علو آفر نواب	۵۶	۸۱۴	۴	
سسل هندوستانی	عبدالعزیز	۴	باقر اصفهانی	باقر	۵۲
بقای اصفهانی	سید محمد	۷۸۷	باقر تبریزی	باقر	۵
بقای تبریزی		۸۹۷	باقی اصفهانی	میرزا عبدالباقی	۵۲
بان مدنی	سید جوان خان	۵۶	باقی اصفهان	سید عبدالباقی	۷۸۶
بنائی هروی		۴	باقی بلخی		۵۲
۷۸۷			بامداد خراسانی	محمد علیخان	۷۸۶
۷۸			بختی قزوینی	حاجی اسمعیل	۵۳
۷۸۹	انائی استرآبادی		بدرابی بلخی	محمد	۴

ص	اسم	تخلص	ص	اسم	تخلص
۶۴	ابو الحسن	بگانه شامی	۵۶		بگانه شامی
۶۵	بیکم	بیکم دهنوی	۷۸۹	کمان الدین	بندار رازی
۶۶	بیکم	بیکم دهنوی	۵۷	محمد تقی خان	بهار شراعی
۶۷	بیکم	بیکم دهنوی	۶۰	لاله طریکچند	بهار هندوستانی
۶۸	بیکم	بیکم دهنوی	۶۱	محمد علی	بهار دارا بگردی
۶۹	بیکم	بیکم دهنوی	۶۲	مصطفی خان	بهار شیرواتی
۷۰	بیکم	بیکم دهنوی	۷۹۰	ربیع خان	بهار اصفهانی
۷۱	بیکم	بیکم دهنوی	۶۳	نوروز شاه	بهار کازرونی
۷۲	بیکم	بیکم دهنوی	۷۸۹	بها الدین محمد	بهار کازرونی
۷۳	بیکم	بیکم دهنوی	۶۴	شیخ ابو الدین محمد	بهار عاملی
۷۴	بیکم	بیکم دهنوی	۶۵	محمد جعفر	بهار تبریزی
۷۵	بیکم	بیکم دهنوی	۶۶		بهار اصفهانی
۷۶	بیکم	بیکم دهنوی	۶۷	عبد الله سرواوردی	بهار کازرونی
۷۷	بیکم	بیکم دهنوی	۱۲۷		بهار اصفهانی
۷۸	بیکم	بیکم دهنوی	۶۸		بهار اصفهانی
۷۹	بیکم	بیکم دهنوی	۶۹	حاجی محمد	بهار اصفهانی
۸۰	بیکم	بیکم دهنوی	۷۰		بهار اصفهانی
۸۱	بیکم	بیکم دهنوی	۷۱	محمد امین بیک	بهار اصفهانی
۸۲	بیکم	بیکم دهنوی	۷۲	عبد القادر	بهار اصفهانی
۸۳	بیکم	بیکم دهنوی	۷۳	محمد رحیم	بهار اصفهانی
۸۴	بیکم	بیکم دهنوی	۷۴	قاسم	بهار اصفهانی
۸۵	بیکم	بیکم دهنوی	۷۵	سید باقر خان	بهار اصفهانی
۸۶	بیکم	بیکم دهنوی	۷۶	الله وردی سرزاد	بهار اصفهانی
۸۷	بیکم	بیکم دهنوی	۷۷		بهار اصفهانی
۸۸	بیکم	بیکم دهنوی	۷۸		بهار اصفهانی
۸۹	بیکم	بیکم دهنوی	۷۹		بهار اصفهانی
۹۰	بیکم	بیکم دهنوی	۸۰		بهار اصفهانی
۹۱	بیکم	بیکم دهنوی	۸۱		بهار اصفهانی
۹۲	بیکم	بیکم دهنوی	۸۲		بهار اصفهانی
۹۳	بیکم	بیکم دهنوی	۸۳		بهار اصفهانی
۹۴	بیکم	بیکم دهنوی	۸۴		بهار اصفهانی
۹۵	بیکم	بیکم دهنوی	۸۵		بهار اصفهانی
۹۶	بیکم	بیکم دهنوی	۸۶		بهار اصفهانی
۹۷	بیکم	بیکم دهنوی	۸۷		بهار اصفهانی
۹۸	بیکم	بیکم دهنوی	۸۸		بهار اصفهانی
۹۹	بیکم	بیکم دهنوی	۸۹		بهار اصفهانی
۱۰۰	بیکم	بیکم دهنوی	۹۰		بهار اصفهانی

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
تاج الدوله	ظاوم خام	۷۹	نات هندی	بر عظیم	۸۲
تاج الحکامه	انائیس آقا حسینی		زریا	حیدر علی	۸۰
تاراج قمشہ			ننائی مشہدی	مر محمد طاهر	۸۲
تاراج اصفہانی	محمد حسین		ننائی فراہانی	میرزا ابوالقاسم قائم مقام	۸۲
تجلی یا تجلی اخباری			حامی قلی		۸۳
تجلی زفری	شیخ عبدالحسین		جامہ ہاں	منجم بی سید محمد	
تجلی شیرازی		۷۹۷	جامی جوانی	نور الدین عبدالعزیز	
تسلی تبرازی	رجعلی - ابراہیم	۷۹۷	جانان بیگم	سورستانی خانان بیگ	۸۹
تسلیمی کاشی		۸۰	حانی مسائی		
آشپس کاشانی	علی اکبر		حانی لڑ		۸۰
		۷۹۸	حاوید مار شرنی	ملا علی	۸۹
نقی ملایری	نقی		جامی صدوی	سنگھار ابراہیم	
نقی مازندرانی	محمد تقی		جلی غر جسامی	عبدالوہاب	۹۰
نمای ہندی	محمد عاقرین		حدائی انار	عبدالغفور	
تذری قلی	محمد امام السلطان	۸۰	حدائی سنوئی		
		۲۰۴			۸۰۰
تبار قلی	حکیم سعید جان	۸۰	حدائی سید علی		
		۷۹۸	جنسی حوسداری		۹۰
نوحید شیرازی	برزاسمعیل	۸۰	جسمی ہندی		
نوسلی آریزی		۸۰۰			۸۰۱
تہامی خراسانی	محمد علی	۹۱	حضر طہری	محمد جعفر	۹۰
ثابت بخشیاری	علی محمد	۸۲	حضر یگمائی	جنہر	۸۱
ثابت بدخشانہی	مر محمد فضل		حضر فریبی	محمد جعفر	۹۱
					۸۰۱
ابن خراسانی	سید علی آقا	۸۰۰	جنہری شہواتی	جنہر	۸۰۲
		۸۸۶			

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
جوادیختیاری	جوادی	۹۵	جعفری تبریزی	محمد جعفر	۸۰۲
جوادی کمپانی	محمد جوادی خان	۸۰۴			۹۱
جوادی		۹۵	جعفری ساوجی		۴
جوهری تبریزی	محمد مقیم	۸۰۴	جعفائی امیرآبادی		۴
جویری تبریزی	ناراب بیگ	۴	جلال قاجار		۴
جهان خانم	جهان خانم هدیه لیا	۹۶	جلال اردستانی	جلال الدین محمد	۸۰۲
جهان آرا	جهان آرا	۴	جلال محمد	جلال الدین	۴
جهان شاد قاجار	جهان شاد میرزا	۴	جلال الدین دوانی	جلال الدین محمد	۹۱
جهانی دهلوی	جهان	۴	جلال الدین محمد گچی		۹۲۰
چاکر مازندرانی	محمد	۸۰۴	جلال الدین میرزا	جلال الدین میرزا	۴
چشمه ابر وانی	حسن اقلیدخان	۹۷	جلالی یزدی	علیرضا	۴
چهارقلو نازفروشی		۴	جلالی		۴
حاجه محمد		۴	چلبلی	جهانگیر خان	۸۰۳
حاجتم کاشانی	عبیدالله	۴	جمال اردستانی	جمال الدین	۹۲
		۸۰۴	جمال الدین دکنی	محمد نصیر	۴
حاجباصه هانی		۹۷	جمال الدین	عبدالرزاق اصفهانی	۴
حاجباصه هانی		۸۰۵	جمال الدین عبدالرزاق		۹۳
حاجستانبیرازی	بازار	۴	جمالی دهلوی	فضل الله	۴
		۹۷	جمعه اردستانی	محمد سعید	۸۰۳
حاجی هندوستان	ساجد محمد	۹۸	جمعه اصفهانی	حمیده	۹۳
حاجی ملا ساجد		۴	حجاباصه هانی	فتیمه الله	۹۴
حاجی میرزا آقاسی	یاق محمد	۴	حجاباصه هانی	ابوطالب	۴
حاجی میرزا جعفر		۹۸			۹۲۱
حاجی سزوارنی	ملاحاجی	۸۰۵	جست حدت	حاجم ایران الدواد	۹۴
حاجی ملاحاجی		۴	جنتی کزی		۹۵
			جنوبی قندهاری		۸۰۳
			جوادیختیاری	محمد جوادی خان	۴

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
حزینی استرآبادی سید حسن	۱۰۹	ص	حاجی محمد ترکستانی حاجی محمد	۹۸	ص
حزین یزدی	۰	ص	۵۵۳	۰	ص
حسامی قطازی سلیمان	۱۱۵	ص	حاصل مشهدی شاهانقر	۹۸	ص
حسامی پیرچندی محمد	۸۹۸	ص	حافظ شبرازی شوهر شمس الدین محمد	۹۸	ص
حسانی گیلانی	۱۱۰	ص	۸۹۵	۰	ص
حسرت اصغری علیخان	۰	ص	حالتی ترکمان فاسم بیگ	۱۰۳	ص
حسرت مهدی محمد تقی	۸۰۸	ص	۸۰۶	۰	ص
حسن علوی حسن خان	۱۱۰	ص	حامدی شومتری	۸۰۷	ص
حسن سامو حسن خان	۰	ص	حامدی سنندجی حسین قلی خان	۱۰۴	ص
۸۱۰	۰	ص	حسین رفعتی حبیب الله خان	۰	ص
حسن دهلوی	۱۱۰	ص	۸۹۵	۰	ص
حسن فرهادی میرزا ابوالحسن	۱۱۱	ص	حسین بختیاری حاجی آقا بابا	۱۰۶	ص
حسن ناولی حسن	۰	ص	حسین اصغری مرزا حبیب	۰	ص
۸۰۹	۰	ص	حسین خراسانی حاج مرزا حبیب مجتهد	۱۰۶	ص
حسن باهر حسن خان	۰	ص	۸۹۷	۰	ص
حسن شعی ابوالحسن	۰	ص	حجابه شبرازی آقا محمد علی	۱۰۷	ص
حسن حقانی حسن	۰	ص	حجایی جرفادانی	۸۰۷	ص
حسن مروزی حسن	۰	ص	حدیدی گیلانی وهاب زاده	۸۰۸	ص
حسن شرنوی اشرف الدین حسن	۰	ص	حرفی مشهدی	۱۰۷	ص
حسن بیگ حسن امام	۸۱۰	ص	حرفی جندی ابوالحسن	۸۰۸	ص
حسن اصغری حسین	۰	ص	حزینی اصغری فقی الدین محمد	۰	ص
حسن باهر سلطان حسن میرزا	۰	ص	۱۰۷	۰	ص
حسین قهرسی حسن	۰	ص	حزینی مشهدی محمد رضی	۱۰۸	ص
حسین خرنساری حسین	۰	ص	حزینی لاهیجی شیخ محمد علی	۰	ص
حسین مروزی حسین	۰	ص			

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
حزبی اشتراداشی سید محمد	حزبی	۱۰۹	حاجی محمد ترکستانی حاجی محمد	حاجی	۹۸
حزب زدی	حزب	۰	۰	۰	۵۵۲
حسانی طنزی سلطان	حسانی	۱۱۵	حاصل مشهدی شاه افروز	حاصل	۹۸
حسامی بیرجندی محمد	حسامی	۸۹۸	حافظ پوری خواجہ شمس الدین محمد	حافظ	۹۸
حسدانی گلابی	حسدانی	۱۱۰	۰	۰	۸۹۵
حضرت اصفہانی علیخان	حضرت	۰	حالی ترکمانی واکم بیک	حالی	۱۰۳
حضر سہمدانی محمد تہمی	حضر	۸۰۸	۰	۰	۸۰۶
حسن عالی حسن خان	حسن	۱۱۰	حامدی شوشری	حامدی	۸۰۷
حسن سائلو حسن خان	حسن	۰	حاروی سندی حسہ قلی خان	حاروی	۱۰۴
۰	۰	۸۱۰	حزب بختیاری حزب اللہ خان	حزب	۰
حسن دہلوی	حسن	۱۱۰	۰	۰	۸۹۵
حسن فرہانی میرزا ابو الحسن	حسن	۱۱۱	حزب بختیاری حاجی آقا بابا	حزب	۱۰۶
حسن ہاونادی حسن	حسن	۰	رحیب اصفہانی میرزا حبیب	رحیب	۰
۰	۰	۸۰۹	حبیب خراسانی حاج مرزا سید محمد	حبیب	۱۰۶
حسن ناصر حسن خان	حسن	۰	۰	۰	۸۹۷
حسن وہبی ابو الحسن	حسن	۰	حجاب میرازی آقا فتح علی	حجاب	۱۰۷
حسن محمدی حسن	حسن	۰	حجابی حرفہ قادقانی	حجابی	۸۰۷
حسن مروزی حسن	حسن	۰	حدیدی گلابی و ہاشم زادہ	حدیدی	۸۰۸
حسن غروی اشرف الدین حسن	حسن	۰	۰	۰	۱۰۷
حسن یکت حسن بیک	حسن	۸۱۰	حرفہ شہدانی	حرفہ	۱۰۷
حسن اجمہانی حسین	حسن	۰	حرفہ جندی ابو الحسن	حرفہ	۸۰۸
حسین ایفرا سلطان حسن درویش	حسین	۰	حزبی اصفہانی نقی الدین محمد	حزبی	۰
حسین نیشی حسین	حسین	۰	۰	۰	۱۰۷
حسین خورازی حسین	حسین	۰	حزبی مشہدی محمد دروسی	حزبی	۱۰۸
حسین سرورازی حسینی	حسین	۰	حزب لاهیجی شیخ محمد علی	حزب	۰

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
حیرتی اسیر آبادی		۱۱۷	خرم خراسانی حسین		۱۱۶
حیرتی مروزی		۵	خرم شیرازی نجاتقلی		۸۱۵
خادم قیری درویش		۱۱۸	خروشی تبریزی حسن بیک		۲
خادم اصفهانی ملا قاسم		۵	خسرو دهلوی امیر خسرو		۱۶۲
خادم مدنی نظر بیک		۸۱۶	خسروانی نعمت‌الله خاں		۹۰۰
خازن انابکی علیجان		۲	خسروی قاجار محمدقلی میرزا		۱۲۵۸
خاعری		۱۱۸	خسروی بختیاری رستم خان		۲
خاقان وزیر ملو شاه		۲	خسروی نوری الهی جمال الدین		
خانانی شیرازی امیرالدین ایوب		۱۱۹	اوبالمشاهد		۱۶۰
خاکی کاشغری		۱۶۱	خسروی بختیاری صالح خان		۸۱۱
خالص مشبلی		۲	خصائین کاسانی		۱۶۶
حاموش هندوستانی رأی صاحب		۵	خضری خراسانی میرزا خضر		۲
خاوش اصفهانی زین العابدین		۸۱۰	حضری قزوینی		۲
خان بدایینی تاج الدوله		۱۶۱	حضری حوساری		۲
حار احمدخان گلای خان احمدخان		۲	حضری استرآبادی		۸۱۵
حاور مسازی فضل شه		۲	حظائی صفوی شاه اسمعیل اول		۱۶۶
حاور سلی محدوده خان		۸۱۵	حلی طهرانی محمد یوسف		۲
حاور هانچار صدر علی میرزا		۱۶۲	خانی اصفهانی کمال الدین حسین		۸۱۰
حاه ری شیرازی دام حاور شیرازی		۲	خاوتی		۲
رحوم محمود		۱۶۶	حایل اصفهانی خلیل		۲
حاورری تبریزی حاجی محمود		۲	خلیل ساموخی ابراهیم		۲
خازری شاپوری		۸۱۹	خروش علم‌آینی محمد شرف		۱۶۶
درده آشی شرفی محمود رحوم شود		۸۱۴	خواجه کرمانی ابو العطا محمود		۲
مدنی شیرازی اسمعیل		۱۶۶	خواجه چهر		۱۶۶
مدنی اصفهانی هاشم		۱۶۰	خواجه رانده کابل		۱۶۶
			خواجه عین‌الملک سمرقندی عبدالملک		۲

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
۱۲۱	دانش اصفهانی	محمد علی مشهور به آقا	۱۲۲	خواجه عبدالله	روارید بنام بیانی
۱۲۲	بزرگ		۱۲۳	کرمانی رجوع شونده	
۱۲۳	دانشمند تبریزی	عبدالباقی	۱۲۴	خواجه علی مشهدی	خواجه علی
۱۲۴	داوود شیرازی		۱۲۵	خواجه علی	استرآبادی علی
۱۲۵	داوود فاجار	اعلم ویرانی میرزا	۱۲۶	خواجه محمد رضا	محمد رضا وزیر
۱۲۶	داوود کاسی	سلطان ابراهیم	۱۲۷	خواجه نصیر	طوس نصر الدین محمد
۱۲۷	داوود مازندرانی	مهدی	۱۲۸		
۱۲۸	دبیر مازندرانی	اسدالله خان کاسی	۱۲۹	خورشیدبخشاری	شکرالله
۱۲۹	دبیر قزوچانی		۱۳۰	تجلی کاشانی	
۱۳۰	اشرف افشاری	تضاربت	۱۳۱	تجلی گلانی	
۱۳۱	دبیر بخساری	مهدیخان	۱۳۲	خبرام نساوری	عمیر
۱۳۲	داوود حسن اصفهانی	سید محمد حسن	۱۳۳	دارای بخشاری	دارای جان
۱۳۳	تورکی فنی		۱۳۴	دارای فاجار	عبدالله میرزا
۱۳۴			۱۳۵	داعی دوفولی	
۱۳۵			۱۳۶	داعی بخاری	
۱۳۶	داعی دوفولی		۱۳۷	داعی ارجندانی	محمد مومن
۱۳۷	داعی و پیش زهکی	عبدالله محمد	۱۳۸	داعی اصفهانی	صلا میرزا
۱۳۸			۱۳۹	داعی استرآبادی	
۱۳۹	داعی بخاری	لطاف الله	۱۴۰	داعی استرآبادی	
۱۴۰	اشعانی		۱۴۱	داعی استرآبادی	سید محمد
۱۴۱	داعی بخاری	محمد اسد	۱۴۲	داعی هدائی	عبدالله اسع
۱۴۲			۱۴۳	دانش قزوین	میرزا تقی خان دیوبندگرا
۱۴۳	تخلص سید فاضل	سید محمد	۱۴۴	دانش شرابادی	محمد جان
۱۴۴	دل اصفهانی	عالم شامی	۱۴۵	دانش بخاری	محمد جان
۱۴۵	دانشاد	دانشاد نظام	۱۴۶	دانش کرمانی	محمد علی و شادان
۱۴۶	دانشاد خابونی	دانشاد خابونی	۱۴۷	دانش طوس	میرزا رحیمی
۱۴۷			۱۴۸		

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
۱۴۲	رايات لکناهوری	عبدالله	۱۳۴	دوری سلطان بايزيد	
	راوی حکرومی	محمد		دولت شاه سمرقندی	
۱۴۲	ملقب بغاضل خان			دولت شاه قاجار	محمد علی میرزا
	راهب نائینی	میرزا جعفر	۱۳۵	دهخدا	میرزا علی اکبر خان
۱۴۳	راهب گیلانی		۱۳۶	دعقان کرمانی	احمد خان بهمن یار
	ربانی	میرزا محمد حسین		دعقان بختیاری	محمد علی
۱۴۳	قریب شمس العلماء			دعقان سامانی	ابوالفتح خان
۲۴۵			۱۳۸	دیوانه بختیاری	
۸۱۹	ربیع ملازری	محمد حسینی خان	۱۳۹	دیوانه نساوری	
۸۲۰	ربیع صدرالدین			دیوانه قمشده	شیخ اسدالله
	رجائی اصفهانی	محمد جعفر خان	۸۱۹	دبیم علی اکبر خان	
	رجوی تبریزی	کاظم خان		ذبیح قزوینی	اسمعیل
۱۴۳	رحمت شیرازی	عبدالله	۱۴۰	ذره بختیاری	عبدالله
۸۲۰	رحمتی هندوستانی			ذره اصفهانی	میرزا عبدالله
	رحیم مازندرانی	رحیم		ذکی همدانی	
	رحیم تبریزی	رحیم	۱۶۱		
	رحیمی بهارلو	عبد الرحیم	۱۴۰	ذوالو اصفهانی	ذوالون
۱۴۳	خان خان خازان		۱۴۰	ذوقی	ابوالقاسم
	رشحه کاشانی		۱۴۱	ذوقی شیرازی	
۸۲۰	رشیدی علیخان			ذوقی اردستانی	
	رشگی همدانی	محسن بیگ	۸۱۹		
۱۴۴			۱۴۱	ذوقی ترکمان	محمد امین
	رشیدای تبریزی		۸۱۹	ذوقی تونی	محمد امین
	رشید یاسعی	غلامرضا خان	۱۴۱	ذهنی کاشانی	ملاحیدر
۸۲۱	رشیدا		۱۴۲	راضی اصفهانی	زمانا
۱۴۹	رشیدالدین همدانی	رشیدالدین	۹۴۲		
				راغب اردبیلی	امیر یوسف

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
رفیع	سید محمد رفیع	۱۵۱	رشید رطواط	رشید الدین	۱۴۹
رفیع الدین لنبانی	عبدالعزیز مسعود	•	رضای کاشانی	رضای	•
رفیعی کاشانی	میر رفیع الدین	•	رضای اصفهانی	سید رضا	•
حیدر اعمامی	•	۱۵۲	•	•	۸۲۲
رفیعی کاشانی	•	۸۱۲	رضای استرآبادی	رضانخان	۸۲۲
•	•	۵۹۹	رضای دامغانی	شیخ رضای	•
رفیق اصفهانی	ملاحسین	۱۵۲	شریعتدار	•	۸۲۲
•	•	۸۲۴	رضای لاهیجانی	رضا	•
رکن الدین قبی	قاضی	•	رضای فزونی	رضا	•
رکن الدین دعویدار	•	۱۵۷	رضای قمشه	رضا	•
رکن الدین قبی	•	۴۸۴	رضای هندی	شیخ محمد	•
رمزی تبریزی	عمادالذکرین	۸۲۴	رضای پاشای اصفهانی	رضاپاشا	۱۴۹
روحانی	غلامرضاخان	۱۵۷	رضای کاشانی	رضا	۸۲۲
•	•	۸۲۵	•	•	۱۴۹
روح عطار	•	•	رضاقلی میرزا	رضاقلی میرزا	۱۵۰
روحی همدانی	•	۱۵۸	رضوان خاچار	سام میرزا	•
رودکی بخارائی	ابوالحسن محمد	•	رضی رضی	•	۸۲۳
روشن	•	•	رضی آریتمانی	رضی الدین	۱۵۱
روغنی استرآبادی	•	•	رضی توپسرکابی	رضی الدین	•
روغن النوره	•	•	رضی اصفهانی	رضی الدین	•
روغنی همدانی	•	•	رضی الدین نشابوری	رضی الدین	•
رهائی شوافی	محمدالدین	۸۲۵	رعسی آدرختی تبریزی	غلامعلیخان	۸۲۳
رهی ترکمان	ساطانعلی بیگ	•	رعای اصفهانی	سید عبدالقادرخان	۸۲۴
•	•	۱۵۹	رفعت نشابوری	•	۱۵۱
رهی اصفهانی	محمدعلی	•	رفیع قزوینی	حسن بیگ	۸۲۴

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
۱۶۲	زیاد اصفهانی	کمال الدین		شیخ	زین الدین هندوستانی
	زین الدین منجری	زین الدین	۸۲۷		ابراهیم علی خان
۱۸۳	آزاد	عالمناجی خانم			ریاضی معارفندی
۱۶۴	ساحری ترک		۱۵۹		ریحان یحیی خان
۸۳۰	ساحری قزوینی		۸۲۷		دائر طهرانی
	ساحری گیلانی		۱۶۰		زبده
	ساحری نوابندی	رشید			زینب خانم
۱۶۴	ساحری				زخم مشهوری
	ساحری عرب	تبلیغ محمد			محمد نوری
	ساحری شیرازی	محمد	۸۲۷		زینب هندوستانی
۸۶۴	ساحری شیرازی	محمود			زینب هندوستانی
۸۳۰	ساحری کنگاوری	جعفر	۱۶۰		زینب هندوستانی
	ساحری هندوستانی		۸۲۸		زینب هندوستانی
۱۶۴	ساحری احمدی	دیر و نادر حسین	۱۶۱		زینب هندوستانی
۸۳۰	ساکت اصفهانی	دیر و احمد			زلالی شیرازی
۱۶۵	ساکت شیرازی	نورالدین			زلالی هروی
۸۲۱	ساکت شیرازی	محمد شامی			زلالی حوسداری
۱۶۵	ساکت شیرازی	ناصر الدین خان	۸۲۸		
۸۲۱	ساکت شیرازی	ابوالفتح میرزا	۱۶۲		زمان شیرازی
۱۶۵	ساکت شیرازی	محمد صادق			زمان یزدانی
۱۶۶	ساکت شیرازی	محمد انور	۸۲۹		
۱۶۷	ساکت شیرازی	محمد جعفر			زمان حسینی
	ساکت شیرازی	محمد علی	۹۱۲		زمان گلشن اصفهانی
	ساکت شیرازی	محمد علی			زمان اردستانی
۸۲۱	ساکت شیرازی	محمد علی			زمان اصفهانی

ردیف	تخلص	اسم	ردیف	تخلص	اسم
۱۷۲	محبابی آسترآبادی		۸۳۱	سالم سمرقندی	
•	سخای اصفهانی	محمد زمان	۱۶۷	سامانی بختیاری	حسن
۹۰۴	سخای هندی	سید سبط و تعلق	بنام	سامانی بختیاری	
	(۱) سخن هندوستانی	سید محمد	•	حشمت رجوع شود	
۸۳۴	بهادرخان		•	سامانی بختیاری	محمد جوانخان
•	(۲) سخن هندوستانی	میر عبدالصمد	۸۳۱	سامی تبریزی	
•	سراج هندوستانی	سید سراج الدین	•	سامعی تبریزی	میرامریک
۲۷۲	سراج حکاک اصفهانی		•	سامی چرکس	لطفعلی بیگ
۱۷۳	سرحدی بختیاری	حیدرعلی	•	سامی کهنه	خواجه عبدالله
۱۷۷	سرخوش نقرشی	یحیی خان	۱۶۸	سامی صفوی	سام میرزا
۸۳۴	سرعت دازندانی	محمد حسین	•	سامی تسابوری	شیخ الدین احمد
•	سرمد	سید صادقخان	•	سائل بختیاری	ابو الحسن
۱۸۰	•	•	•	سائل رازی	
۱۸۱	سرور حسینخان		•	•	
۸۴۴	سرور افشار		•	سائل فارسی	محمد سعید
•	سرور قاجار	طهماسب میرزا	•	مشهور به آقا جانی	
۸۴۵	سرور بیگدلی		•	سائلی قزوینی	سعد الملک
•	سروری کاشانی		۱۶۹	سائلی	
•	سروری کابلی	عالم بیگ	•	سایر مشهوری	
•	سروش		•	سپاهی	خدا دوست - فاضل بیگ
۱۸۱	(۱) سروش اصفهانی	محمد باقر	۷۳۲	سپهر خراسانی	میرزا احمدخان
•	(۲) سروش اصفهانی	میرزا محمد	۱۷۰	سپهر کاشانی	میرزا محمد تقی
۱۸۱	علی شمس التهرام		•	سپهری اصفهانی	میرزا اجلال
۱۸۲	سرخسگ تبریزی	حسن خان	۸۴۲	•	
•	سعد الدین	محمدالدین	۱۷۰	محباب احمدشاهی	سید محمد
•	سعدنی شیری	شیخ مصلح الدین	۸۳۳	محباب همدانی	حبیبعلی خان
۸۳	•		•	محبابی آسترآبادی	

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
۸۴۷	سنائی علی محمد	سنائی	۲۰۹	سعید یزدی	سعید
۸۴۷	سنائی جلال الدین	سنائی اصفهانی	۸۴۵	سعید هروی	سعید
۲۹۳	سنائی اصفهانی	سنائی	۸۴۶	سعید قمی	سعید
۰	سنائی غزنوی	سنائی	۲۰۹	سکوت بختیار	محمد حسن
۸۴۷	سنجری خراسانی	سنجری	۰	سلجوق شاه ساغری	سلجوق شاه
۲۱۵	سلطان مستجر	سلطان	۰	سلطان قاجار	سلطان محمد میرزا
۰	سلطان مستجر	سلطان	۲۱۰	سلطان قاجار	سلطان
۲۱۸	سلطان مستجر	سلطان	۰	سلطان قاسمی	سلطان محمد
۸۴۷	سلطان مستجر	سلطان	۰	سلطان محمد غزنوی	سلطان محمد
۰	سلطان مستجر	سلطان	۰	سلطان مصطفی میرزا صفوی	سلطان مصطفی
۲۱۹	سلطان مستجر	سلطان	۲۱۰	سلطان مصطفی میرزا	سلطان مصطفی
۰	سلطان مستجر	سلطان	۰	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان
۲۱۹	سلطان مستجر	سلطان	۸۴۶	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان
۲۲۳	سلطان مستجر	سلطان	۰	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان
۰	سلطان مستجر	سلطان	۲۱۰	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان
۸۴۷	سلطان مستجر	سلطان	۰	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان
۲۲۳	سلطان مستجر	سلطان	۸۴۶	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان
۰	سلطان مستجر	سلطان	۲۱۲	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان
۸۴۷	سلطان مستجر	سلطان	۸۴۶	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان
۸۴۸	سلطان مستجر	سلطان	۹۲۱	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان
۸۴۷	سلطان مستجر	سلطان	۰	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان
۰	سلطان مستجر	سلطان	۲۱۳	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان
۲۲۳	سلطان مستجر	سلطان	۰	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان
۰	سلطان مستجر	سلطان	۰	سلطان سلیمان عثمانی	سلیمان

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
شید مشهدی	سید علی	۲۲۴	شاه شجاع	شاه شجاع	۸۲۹
میت حسن خزانوی	باقم		شاه عباس تازی	شاه عباس	
حسن خزانوی در جوع شون		۲۲۴	شاهمیر کبابی	شاهمیر	۸۵۶
سید علی بزوی	سید علی		شاهکی اصفهان	آقا شاهکی	۲۲۹
میرک محمد نجفی	سید محمد		شاه محمد دراز چوبی	شاه محمد	۸۵۶
میرک محمد قویس	سید محمد		شاهمیر قزوینی		
سهرابی قزوینی	محمد حسین	۸۵۸	شاه نظر اصفهانی	شاه نظر	
سیری جیرا قزاقی	محمد		شاهی سرواری	آقا شاهک	۲۲۹
سهری مشهدی		۲۲۵	شاهین و سانی	فاطمه و شام	۸۵۶
سید امقرنگ	سید الدین انرج		شاهین قهرمان	تاج الدین میرزا	۸۵۶
سید الدین و ریاضی	سید الدین	۸۵۹	شایق		۸۹۸
سید اصفهانی	مصطفی بابی خان	۲۲۵	شایق کبری	غلام حسین خان	۸۵۲
شاپور قاجاری	شاپور میرزا	۲۲۶	شایق خزانوی		۸۹۶
شاپور طهرانی	آقا شاپور		شایق کزاقی		۸۵۲
			شایق ارمنی	عادی بیک	۲۲۲
		۸۵۹	شایگان	سید علی خان	۸۵۲
شادمان	سید نصر الدین	۸۵۰	شجاع کاشانی	شجاع الدین محمود	۲۲۲
شاد و هروی		۲۲۷	شجاع السلطه		
شارق بخارا	محمد بخارا	۲۱۸	شجاعتی سمرقانی		
شاهان		۸۵۰	شجاع علی خراسانی	محمد علی خراسانی	۲۲۲
شاهان بکاو			شیرز بگدلی	محمد علی بیک	
		۲۲۸			۸۵۲
شاهان حبیب کلابری	محمد به	۸۹۹	شیر شیرازی	میرزا عسکری	۲۲۲
شاهک کاشانی		۲۲۹	شیر شیرازی	محمد علی	
شاهر شاه نوربخش	شاهر شاه		شیر شیرازی	محمد علی	۲۲۲

ص	اسم	تخلص	ص	اسم	تخلص
۸۵۷		شقیقی گیلانی	۸۵۳	شرف الدین میرزا	شرف قهرمانی
۲۴۱	مرتضی میرزا	شکسته قاجار		شرف الدین رامین	شرف تبریزی
۲۴۲	حسنعلی میرزا	شکسته قاجار	۸۵۴	شرف الدین محمد	شرف سبزواری
۴		شکوهی یزدی	۲۳۸	شرف الدین باقری	شرفی رجوع شود
۴		شکوهی همدانی	۸۵۵	شرف الدین علی یزدی	شرف الدین علی یزدی
۴	محمد علی	شکیب شیرازی		شرف الدین فضل الله	شرف اصفهانی
۴		شکیبی اصفهانی	۲۳۸	شرف الدین فضل الله	شرف الدین فضل الله
۹۰۱		شکوهی یزدی		شرف الدین محمد	شرف الدین محمد
۲۴۳	شمس الدین محمد	شمس تبریزی	۲۳۹	شرف الدین علی	شرفی یزدی
۸۵۷		شمس بغدادی		شرفی قزوینی	شرفی قزوینی
۴	سید محمد رضا	شمس الادبا		شرف کاشانی	شرف کاشانی
	شمس الدین	شمس الدین بنام ملک شمس الدین		شرف تبریزی	شرف تبریزی
۲۴۴		گرت رجوع شود		شرف تبریزی	شرف تبریزی
	شمس الدین محمد	شمس الدین طوسی	۸۵۵	شرف شیرازی	شرف شیرازی
	شمس الدین محمد	شمس الدین محمد شاهجهان آبادی		شرف طالقانی	شرف طالقانی
۲۴۴		میر شمس الدین محمد	۲۳۹	شماع پنجابری	شماع پنجابری
	شمس الدین محمد	شمس الدین محمد صاحب دیوان		شماع الدین میرزا قهرمانی	شماع الدین میرزا قهرمانی
۸۵۷		شمس الدین محمد	۸۵۶	شماع الدین میرزا	شماع الدین میرزا
	شمس العلماء	شمس العلماء رجوع شود	۲۴۰	شماع الملک شیرازی	شماع الملک شیرازی
۲۴۵		باسم ربانی	۸۵۶	شعله اصفهانی	شعله اصفهانی
	شمیم اصفهانی	شمیم اصفهانی محمد حسین	۲۴۰	شموری کاشانی	شموری کاشانی
	شمیم شیرازی	شمیم شیرازی محمد علی		شعیب اصفهانی	شعیب اصفهانی
۲۴۵		معروف بحکاک		شفائی اصفهانی	شفائی اصفهانی
	شوخی خوشنوازی	شوخی خوشنوازی		شرف الدین حسن	شرف الدین حسن
	شور باد شیرازی	شور باد شیرازی محمد تقی فصیح	۸۵۶		

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
۸۵۸	شمیدی مشهدی	شمیدی	۲۴۶	شوقی	شوقی
"	شمیدی قعی	شمیدی	"	شوقی همدانی	شوقی همدانی
۲۵۵	"	"	۲۴۷	شوقی تبریزی	شوقی تبریزی
"	شیخ ابوالحسن خرقانی	شیخ	"	شوقی ساوجبی	محمد حسین
۲۵۶	ابوالحسن	"	"	شوقی یردی	"
"	شیخ محمد حسین قمی	شیخ	"	شوکت شیرازی	شمس الدین حسن
"	محمد حسین	"	"	شوکت قاجار	محمد قاسم خان
"	شیخ صدر الدین نشابوری	شیخ	۸۵۸	شوکت بخارائی	محمد اسحاق
"	شیخ صدر الدین	"	"	شوکتی	علیقلی
"	شیخ فرام الدین	شیخ فرام الدین	۲۴۸	"	"
"	شیخ مجتهد الدین	شیخ مجتهد الدین	"	شوکتی اصفهانی	محمد ابراهیم
"	شیخ نجم الدین	شیخ نجم الدین	"	شهاب همدانی	محمود خان
"	شیخ نجم الدین دایه	شیخ نجم الدین دایه	"	شهاب شیرازی	"
۲۵۷	شیخ نجم الدین دایه	شیخ نجم الدین دایه	۸۵۸	شهاب یبختی	"
"	شیخ نجم الدین کسری	شیخ نجم الدین کسری	"	شهاب الدین غزنوی	شهاب الدین
۲۵۷	شیخ نجم الدین احمد	شیخ نجم الدین احمد	۲۴۸	شهاب الدین سمرردی	شیخ
"	شیدا	"	۲۴۸	ابو حفص عمر	"
"	(۱) شیدای اصفهانی	محمد علی	"	شماسی فزونی	ملا عبدالله
۸۹۵	(۲) شیدای اصفهانی	"	"	شهاب بخاری	محمد زمان
۲۵۸	شیدای بویرکابی	ملا علی	۲۴۹	شهرت فارسی	شیخ حسن
"	شیدای نهبونی	"	"	شهره قاجار	علی رضا میرزا
۸۵۹	شیدای همدانی	"	۸۹۹	شمی	عباسخان
۲۵۸	شیرازی	صدر محمد خان	۲۴۹	شهریار تبریزی	محمد حسینخان
"	شیرازی	سواد خانی	۲۵۵	شهبانگهی	شیخ ابوالحسن
"	شیرازی	ابوالقاسم خان	"	شمیدی مشهدی	"

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص
۸۶۰	اصبا حسین خان	صبا	۲۵۹	صبا
۲۸۸	"	"	"	صبا
۸۹۶	اصبا حسنعلی خان	اصبا	"	صبا
۲۸۸	اصباحی بند عمگلی میرزا سلیمان	اصباحی	"	اصباحی
۸۶۰	اصباح خراسانی	اصباح	"	اصباح
"	عباسی همدانی	عباسی	"	عباسی
۲۹۲	"	"	"	عباسی
۹۲۰	"	"	۲۶۰	عباسی
۲۹۳	اصبری سارچی	اصبری	"	اصبری
"	اصبری زواره	اصبری	۲۶۰	اصبری
"	اصبری اصغرانی	اصبری	"	اصبری
۸۶۰	اصبری موزی	اصبری	۲۶۰	اصبری
۲۹۵	اصدق اصفهانی	اصدق	"	اصدق
"	اصدق حسی	اصدق	"	اصدق
۲۹۶	اصدق حسی	اصدق	۸۵۹	اصدق
"	اصدق حیدرانی	اصدق	۲۶۱	اصدق
"	اصدق هروی	اصدق	۸۶۰	اصدق
"	اصدق سرزی	اصدق	"	اصدق
"	اصدق اصفهانی	اصدق	۲۶۱	اصدق
۲۹۷	اصدق لاری	اصدق	۲۶۳	اصدق
۸۶۱	اصدق اصفهانی	اصدق	"	اصدق
۲۹۹	اصدق اصفهانی	اصدق	۸۶۰	اصدق
۳۰۰	اصدق دستغابی	اصدق	"	اصدق
"	اصدق اصفهانی	اصدق	۲۶۴	اصدق
"	اصدق اصفهانی	اصدق	۲۸۷	اصدق
۸۶۱	اصدق اصفهانی	اصدق	۲۸۸	اصدق

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
	صوفی مازندرانی	۳۰۰	صفا		
محمد صوفی مازندرانی رجوع شود	بنام	۳۰۵	صفای شیرازی	محمد ابراهیم	۳۰۱
صوفی جغتائی		۳۰۶	صفای اصفهانی	"	"
صوفی پیر صدساله درویش علی		"	صفای اسدآبادی	صفیات الله	۳۰۲
صوفی شیرازی (ملا محمد)		۳۰۷	صفار بخاری	عبدالرحیم	"
صوبه قهی محمد تقی		"	صفائی ملایری	ابراهیم خان	"
صوبه قشقه محمد یوسف		۸۶۱	"	"	۸۹۶
صوبائی هندسی	سید عبدالعزیز	۲۰۷	صفائی زرقی	حاجی احمد	۳۰۲
صیاد مشهدی		۳۰۸	صفائی اصفهانی	ملا محمد	۳۰۳
صیدنی طهرانی		"	صفائی یزدی	محمد علی	"
"		۸۶۱	صفائی قهی	شاطر شلاله حسین	"
صیدنی بوآذینی		"	صفی	حاجی میرزا حسن	"
صیقلی همدانی		۳۱۰	صفی عنایت	"	"
صیفی شادوری		۳۱۱	صفی شیخ صفی الدین اسحاق		۳۰۴
صنصر هندی	گسور صبر الانی	"	صفی مشهدی	صفی الدین	"
ضمیری اصفهانی که انا الله	صوفی	"	صفی کرد	صفی قلی	"
"		۸۶۱	صفی واری	شاه صفی	"
ضمیر میر جانشین	شیخ محمد حسن	۸۶۲	صفی الدین یزدی	صفی الدین	"
ضمیر قزوینی	"	۳۱۲	صفیر قهی	شمس الدین	"
ضمیر صوفی مد علی و لقب بنام علی		"	صفیر تریزی	شمسا	۸۶۱
ضمیر رازی	صبا الدین محمد حسن	۳۱۳	صفیر اصفهانی	محمد حسن	۳۰۴
ضمیر ساوه‌ری	صبا الدین	"	صمداء سرازری	عبدالله	۸۶۱
ضمیر اصفهانی	صبا الدین	"	صمدام اساطران (تندری قهی)		۳۰۵
ضمیر	صبا الدین	۸۹۸	"	"	۸۰
ضمیر تبریزی		۳۱۶	صفی شادوری		۳۰۵

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
۳۲۳	طیب اصغهبانی	زین العابدین	۴	ضیائی شیرازی	سیدعلی
۴	طیب زوجهردی	محمد	۵	ضیائی شیرازی	حنیاء الدین
۴	طیب قزوینی	محمد حسن	۳۱۷	طارمی میردوست	
۳۲۴	طیب هندوستانی	غلام مصطفی	۶	طالب گرمی	
۵	طراز یزدی	عبد الوهاب	۷	طالب جاجرمی	
۴	طرب همدانی	یوسف	۱	طالب آمل ابو طالب	
۴	طرب تیرازی	محمد رفیع	۸۶۳	»	
۵	طرزی افشار		۸۹۷	»	
۳۲۶	طرفه علی رضاخان		۸۶۲	طالب اصغهبانی	بابا طالب
۴	طرفه نازندی	جلال الدین محمد	۸۶۳	ظاهر طاهر	
۴	طغرانی هروندی	امیر	۳۱۸	ظاهر اتجدایی	شاه طاهر
۳۲۶	یمین الدین		۳۱۹	ظاهر مشهدی	طاهر
۴	طغرل سلطان طغرل		۵	ظاهر نائینی	طاهر
۴	طغرل ناچار	محمد ایراهیم خان	۸۶۳	»	
۴	طفیلی میر حسین		۳۱۹	ظاهر طالقانی	
۳۲۷	طغیانی مشهدی		۴	ظاهر تونی	
۴	طلحه میروزی	شهاب الدین ابوالحسن	۴	ظاهر هروی	
۴	طلعت اصغهبانی	محمد	۵	ظاهره قزوینی	فره نغمین
۴	طلوعی عراقی	سید فخر الدین	۳۲۰	ظاهره هروی	
۸۶۴	هاشمی		۳۲۰	ظایر شیرازی	حسن خان
۳۲۸	طوطی قرآبائی	ابوالفتح خوار	۳۲۱	طبعی قزوینی	
۴	طوطی همدانی		۳۲۲	طبعی سپسنای	کمان الدین حسن
۴	طوهران راز درایی	طیب	۳۲۲	طبعی اصغهبانی	عبد
۳۲۷	طوفی تبریزی		۴	طبعی سمانی	
۸۶۴	»		۵	طیب اصغهبانی	عبدالقاسم
۸۶۵	طهباسب صغوی	شاه طهباسب	۹۲۱	»	

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
۲۵۱	عارض اصفهانی	غایبان	۳۳۸	ظهور	
»	عارف نوری	میرزایه القاسم	۳۳۸	طیة قاجار	طیة
۳۵۴	عارف	ملا احمد	»	ظیای اصفهانی	محمد ربيع
»	عارف ایچی		۳۳۹	ظاهر نائینی	
»	عارف فوی		»	ظاهر همدانی	حسین
»	عارف دملوی	ساجان حسین	»	ظریف اصفهانی	محمد حسن
»	عارف کرمانی	اسمه جبل	»	ظریفی ساوسی	محمد بیگ
»	عارف نوری	(عبدالله)	»	ظفر همدانی	ظفر الدین
۳۵۵	عارف		»	ظفر حنان	ظفر خان
»	عارف شیرازی		۸۶۵	ظلی قاجار	محمد میرزا
»	عارف شیرازی		»	ظهوری تهریزی	حسن بیگ
»	عارف شیرازی	علی آذر	»	ظهوری شیرازی	
۳۵۵	عارف آبلان		»	ظهوری نریشی	
»	عارف کاشانی	عبدالحسین	»		
»	عارف تاروس	محمد یوسف	۲۰۶۵	ظهیر اصفهانی	
»	عارف		»	ظهور تاروسی	ظهور الدین
»	عارف مشهدی		»	ابوالفضل طاهر	
۳۵۶	عارف اصفهانی	ابراهیم	۳۴۷	ظهیر الدوله	
»	عارف همدانی		۳۴۸	ظهیر الدین سقره	ظهیر الدین
»	عارف ساپایی	محمد علی	۳۴۹	ظهیر الدین تهرسی	
»	عارف باغوش	ملا محمد	»	عابد شیرازی	
»	عارف تهرسی		۳۵۰	عابد اصفهانی	عابد
»	عارف همدانی		»	عابد همدانی	عبدالمجید
»	عارف سوادری		»	عادل خراسانی	
»	عارف		»	عادل قاجار	علی شاه مظفرالدین
۳۵۷	عادل خراسانی	داعی	»	ادبی صغری	شاه اسماعیل آذر
۳۵۸	عادل خراسانی	عبدالله	»		

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
۳۸۷	عبدالحی نفرشی	عبدالحی	۳۸۱	عاشقی سیمستانی	
	عبدالحق عجبوانی	عبدالحق	•	عاصم بلگرامی	شیخ علی
	عبدالحق دعاوندی	عبدالحق	•	عاصمی نمائندی	علی
۳۸۷	عبدالعزیز خان	عبدالعزیز خان	•	عاطر هندی	زین العابدین
	عبدالقادر توبی	عبدالقادر	۳۸۲	عاقل دکشی	محمد
	عبدالمولی سجای	عبدالمولی	•	عاکفی کالان	
	عبدالله جان ازبک	عبدالله جان	•	عالی داراجردی	سهراب
۳۸۷	"	"		"	"
۳۸۷	عبدی اربوئی		۳۸۲	عالی صفوی	
۳۸۸	عبدی کابادی			عالی شیرازی	نورالدین محمد
	عبرت نامی	محمد علی خازن	۳۸۲	عالم بد نغمه جان	
۳۸۹	عمری	محمد الملک	۳۸۵	عالی شیرازی	محمد حسن
	عیدرا کمانی		۳۸۶	عالی بخارانی	ملا شاه محمد
۳۸۷	عبدالله خان ازبک	عبدالله خان	•	عالی بدحمانی	
۳۸۹	عاری تکلو حسن بیک		•	عالم البخیر	ملا عامل
	عسار حردانی (عبد الوهاب)		۳۸۶	"	"
	عسی سید محمد		۳۸۶	عزیز احمدی	محمد زبور
	عسفی سمرقندی	حلال الدین	•	عزیزه سمرقندی	عزت
۳۹۰	عجزی تبریزی	حسن بیک	۳۸۶	عباس آریزوری	عباس
۳۸۷	عزنی هندی	لاله بیجا ته قوم کابادی	•	عدامی	
۳۹۰	عداری احمدی		•	عبدالباقی	عبدالباقی
	عزوی تبریزی		•	عبدالباقی تبریزی	عبدالباقی
	عدوی کمالی	اسحق بیک	۳۸۷	عبداللهافی	عبداللهافی
۳۹۱	عزای همدانی	فخرالدین ابراهیم	۳۸۷	عبداللهافی	عبداللهافی
۳۹۴	عزیمیا کرمانی	عرب آت		عبدالحسین	عبدالحسین
۳۹۵	عزیمی نکاو	سید علی دات		میرزا مراد	میرزا مراد
۳۹۷	"	"	۳۸۷		

ص	اسم	تخلص	ص	اسم	تخلص
۸۶۷	عشرتی بزرگی	عشرتی بزرگی	۸۶۷	محمد مریم	عشرتی بزرگی
	سیدرحضائیان	عشقی همدانی			عشقی
۴۰۷	میرزاده	میرزاده	۳۹۴	عرفان اصفهان	عرفان اصفهان
۴۰۸	عشقی کاشانی عزیزالدین محمود	عشقی کاشانی عزیزالدین محمود		عرفی شیرازی جمال الدین محمد	عرفی شیرازی جمال الدین محمد
۴۰۹	عشقی لکنه نوری غلام حضرت	عشقی لکنه نوری غلام حضرت	۴۰۶	عریان همدانی	عریان همدانی
۴۰۹	عصامی سمرقندی عبدالملک	عصامی سمرقندی عبدالملک	۴۰۴	عزالدین شیروانی	عزالدین شیروانی
	عصمت بحرانی عصمت الله	عصمت بحرانی عصمت الله		عزالدین محمود کاشانی	عزالدین محمود کاشانی
۸۶۸	عصمت سمرقندی	عصمت سمرقندی	۴۰۴	عزالدین محمد	عزالدین محمد
۸۹۶				عزت قاجار سلیمانخان	عزت قاجار سلیمانخان
۴۰۹	عصمت سمرقندی	عصمت سمرقندی		عزتی شرازی	عزتی شرازی
	عصمت قاجار	عصمت قاجار	۴۰۵	عزیمی لاهیجی	عزیمی لاهیجی
	عصمت پیکم	عصمت پیکم		عزی کاشانی	عزی کاشانی
۴۱۰	عصفی	عصفی		عزی شیرازی	عزی شیرازی
	عظا حسین	عظا حسین		عزنی	عزنی
۴۱۰	عظا سلطان	عظا سلطان		عزیز گلستانی	عزیز گلستانی
۴۱۱	عظای ارفوئی	عظای ارفوئی	۴۰۶	عزیز صمدانی	عزیز صمدانی
۴۱۲	عظای هدایی	عظای هدایی		عزیزالدین نسفی	عزیزالدین نسفی
	عظا زاده پوری	عظا زاده پوری		عزیری قزوینی	عزیری قزوینی
۴۱۲	عظا زاده محمد	عظا زاده محمد		عسجدی	عسجدی
	عظا زاده	عظا زاده		عسگری باکراهی	عسگری باکراهی
	عظا زاده	عظا زاده		عشرت	عشرت
۴۱۳	عظای شماره	عظای شماره	۴۰۷	عشرت قره اغانی	عشرت قره اغانی
	عظای جابووی	عظای جابووی		علاء الکتاب	علاء الکتاب
	عظای کاشانی	عظای کاشانی	۸۶۷		
۴۱۳	عظای طبرانی	عظای طبرانی	۴۰۷	عظای	عظای
	عظای سید	عظای سید			

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
۴۱۷	علیشاه اصفهانی	قائدر علی	۴۱۳	عفاف	
"	عماد غزنوی	"	"	عفت قاجار	عفت
"	عماد طوسی	میر عماد	۴۲۴	عفتی سمرقندی	"
"	عماد فقیه کرمانی	عماد	"	عفتی اسفراینی	"
۴۱۸	عماد اکرم	"	"	علاء خراسانی	علاء الذین
"	عمادی شهر یاری	عماد الدین	"	علاجی	"
۸۶۸	"	"	"	علامه دولتی	"
۴۱۹	عمارة مروزی	ابو منصور	"	علاء الدوله اسمعانی	رکن الدین احمد
"	عمان بخاری	مرزاتور الله	۴۱۵	علاء الملک لاری	"
۴۲۱	عماد بخاری	مناب الدین	"	علائق آشنیانی	"
۴۲۱	عماد بسطامی	(تاج الدین مسعود)	"	علائق	"
"	عماد اصفهانی	عابد الله	"	علوی کاشانی	محمد طاهر
"	عماد کاشانی	محمد حسن خان	۴۱۶	علویه	"
۴۲۳	عماد بلخی	ابو لغاتم حسن	"	علی	علی
۲۶۹	عماد	محمد خان	"	علی فرنگی	محمد علی
"	عماد بریزی	محمد رضا	۴۱۶	علی خراسانی	علی دلی رکن
۴۲۳	"	"	"	علی تاسانی	علی
۴۲۴	عماد راگزی	"	"	علی بدخشی	علی
"	عماد ماوچی	"	"	علی اصفهانی	محمد علی
"	عماد قروی	"	"	علی آقا شلی	"
۴۲۵	عماد خراسانی	عبدالرای	۸۶۸	علی شیرازی	علی معین
"	عماد زدی	میرزا سی	۲۶۸	علی	علی
"	عماد حساری	"	"	علی	علی
"	عماد مدنی	مناب علی	"	علی	علی
"	عماد شراعی	عبدالغیوم	۹۲۱	علی دیبانی	علی
"	"	"	"	علی رضا نیری	علی رضا

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
۴۳۳	غواصی یزدی	عزالدین	۴۲۵	فری هروی	
۴	غیاث ابرقونی	غیاث الدین	۴۲۶	غازی هلندر	غازی هلندر
۴	غیاث مشهدی	غیاث	۴	شادلای طالقانی	محمد تقی
۴	غیاث تند آزی	غیاث سلوئی	۴	غالب صفیری	محمد حسین
۴	غیاثا شب آری		۴۲۷	غبار محمدانی	آقا سید حسن
۱۷۰	"	"	۴۲۷	غبارزادی	میرزا علی
۴۳۴	غیاثی اسرا ابادی		۸۹۵	غبار افغانی	م
۸۷۶	غیبی ملا نوری	چوهر	۸۶۹	غرام اصغری	سید احمدین خان
۴۳۴	غیرت اصغری	مد را چوهر	۴۳۷	شروزی کاندانی	صادق
۴۳۵	غیرت هندی	عبدالمطلب	۴	غریق اصغری	
۴	غیرت شیرازی		۴	غزاله هروی	
	غیرت هندی	اسماعیل	۴۲۸	غزالی شهدی	ابو سعید محمد
۴۳۶	غیرت کلبی		۴۲۹	غزونی	
۴	غیرت کلبی		۴	غفره رفی	غضنر
۴۳۷	غیرت کلبی		۴۳۰	غفاری	فاضل محمد
۴	غیرت کلبی		۸۶۹	غفوری	عبدالباقی خان
۴	غیرت کلبی		۴۳۰	غلامی	محمد سعید
۸۷۱	غیرت کلبی		۴	غلام محمدانی	محمد علی
۸۶۸	"	"	۴۳۲	غلامکین پختناری	ساجد عبدالله
۸۷۱	غیرت کلبی	شیخ امیر الله	۴	غلامکین پختناری	ساجد عبدالله
۴۳۷	غیرت کلبی		۴	غلامکین پختناری	ساجد عبدالله
۴	غیرت کلبی		۴۳۳	غلامکین پختناری	ساجد عبدالله
۴۳۸	غیرت کلبی		۴	غلامکین پختناری	ساجد عبدالله
۴	غیرت کلبی		۸۹۶	غلامکین پختناری	ساجد عبدالله
۴	غیرت کلبی		۸۷۰	غلامکین پختناری	ساجد عبدالله

ص	اسم	تخلص	ص	اسم	تخلص
۴۴۳	فخر الله	فخری جرجانی	۴۳۸	محمد کاظم	خان یغنی‌آوری
۴	علیقلی میرزا	فخری قاجار	۴	میرزا عباس‌خان	فائض اصفهانی
۴	محمد سعید	فدای اردستانی	۵	محمد باقر	فائض مازندرانی
۴۴۴	به شیخزاده	فدائی لاهیجی	۶	علی	فائض سنوساری
۴	حاجی محمد	فدائی گرمائی	۴		فائض نهاوندی
۴	ابوعلی	فدائی مشهدی	۴۳۹	زین العابدین	فائق یغنی‌آوری
۴	محمود دیک	فدائی نوریخی	۴	غلام محمد	فاین هندی
۴		فدائی اصفهانی	۴	فتحعلی خان	فتح داغستانی
۴۴۵	عباس‌خان	عزات یزدی	۴		فتح اردستانی
۸۷۱			۴۴۰	آبوالدین	فتوحی مروزی
۴		هر است لاهیجی	۴	میرزا نوری	فتوی هروی
۴۴۵	فاضل ابوالبرکات	فراقی سمرقندی	۴		فخار شرایری
۴	فریح الله	فریح الله شیرازی	۴	فخر الدین اسعد	فخر گرجائی
۴۴۶	فریح الله	فریح	۴۴۹		
۴		فریح هندوسانی	۴۵۰		
		فریح رند محمد حسن‌خان مسپور	۴		میرزا سراق
۴۴۶		به خانکر خان	۴		احمد دولت گیلانی عمیدالدین
۴۴۷		فریح قاجار فریدون میرزا	۴		فخر الدین اسعد جرجانی بنام
۸۷۱		فریح منتهدی سید محمود خان	۴۴۱		فخر گرجائی رجوع سود
۴۴۷		فریحی خساری	۴		فخر الدین علی فخر الدین علی
۴		فریحی سیستانی ابوالحسن علی	۴		فخر الدین خالد مروزی
۴		فریحی یزدی محمد خان	۴		فخر الدین خالد
۴۴۸		فردوس تیرازی سید ابوالحسن	۴۴۲		فخری ارغون خانم فخر عادل
		فردوسی طوسی حکیم			فخری ابروایی فخر الدین عباس
۴۴۸		ابوالقاسم حسن	۴۴۳		حاجی میرزا آقاسی

ص	اسم	تخلص	ص	اسم	تخلص
۴۶۴	فصیح الزمان	فصیح بدوئی	۴۴۹	حاجی بیگ	فردی
۸۷۲	فصیح	استرآبادی	۴۵۰		فردی مشہدی
۴۶۴		فصیحی ہروی	۴	صفر بیگ	فردی زند
۸۷۳		"	۴۵۲	محمد نصیر	فرستہ شہر آزی
۴۶۵		فصیحی تبریزی	۸۷۲	ابو تراب بیگ	فرقی اجدانی
"		فضلی چرہ افغانی	۸۹۶		"
۸۷۴		"	۴۵۲	محمد خان	فروزان
۴۶۶	محمد	ظولی بغدادی	۴۵۲		فروغ کشمیری
"	جان	ظہرت نوائی	۴۵۲	محمد ہمدانی	فروغ الدین اصفہانی
"		ظہرت کاشانی	"		فروغی استرآبادی
۸۷۴		"	"		فروغی قزوینی
۴۶۶	محمد صالح	فغانی شیرازی	"	میرزا محمد	فروغی اصفہانی
۸۷۴		"	"	میرزا عباس	فروغی بسطامی
۴۷۰	محمود	فغفور لاهیجی	۴۶۱	ابوالقاسم	فرہنگ شیرازی
۴۷۱	محمد احمد	فکاری سبزآوی	"	(محسن خان)	فرہی
۴۷۲	محمد علی	فکرت لاریجانی	"	تجدد الغفار	فریب اصفہانی
"	محمد صادق	فکاری اصفہانی	۴۶۲		فریب کبر مانی
"	محمد رضا	فکاری لاهیجانی	"	میرزا حسین علی	فریبی طهرانی
"	محمد	فکاری مشہدی	۴۶۳		فریب
۹۰۳	علی	فکاری کابلانی	"	فرید الدین	فرید کاتب حراسانی
۴۷۳		فانسی نصر اللہ خان	۸۷۲		"
۴۷۴	محمد	فانسی	۴۶۳	میر محمد	فانسی استرآبادی
"	علی	فانسی اصفہانی	"		فانسی امام قلی
۸۷۵		فانسی	"	محمد و بیگ	فانسی میرازی

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
•	فاسم هندی	سید فاسمعلی	۴۷۴	فنائی مشهدی	علی اصغر
•	فاسم کاشی	فاسم	•	فنائی مشهدی	•
۴۸۳	فاسمی خوافی	مجدد الدین	•	فنائی حلخالی	شیخ احمد
•	فاسمی کازرونی	شیخ ابوالفاسم	•	فنائی کشمیری	•
•	فاسمی اردستانی	فاسم	•	فنائی بزقی	کمال الدین حسین
•	فاسمی مازندرانی	•	۴۲۱	فنائی جمعنائی	•
•	فاسمی گاشی	•	۴۷۶	فوجی نیشابوری	ملا مقیم
۴۸۴	فاضی	راضی	۴۷۵	فهمی رازی	(مجدد الدین)
•	فاضی رازی	عبدالله	۴۷۵	فهمی کاشانی	(فاسم)
•	فاضی قزوینی	•	۸۷۵	فهمی طرشتی	•
•	فاضی رکن الدین فهمی	بنام	۴۷۶	فیاض لاهیجی	عبدالرزاق
•	رکن الدین قهی	رضوخ سود	•	فیض کاشانی	هر نفسی مدعو
•	فاضی مسیح ساوچی	•	۴۷۷	فیض ملامحسن	•
•	مسیح الدین عجمی	•	•	فیض ملاعلو	•
۵۷۵	•	•	•	فیض •	•
۴۸۴	فانسی کپلامی	•	•	فانی ابوالحسن	•
•	فانح کاشانی	مسبب	۴۸۰	فانی میرزا حبیب الله	•
•	فانح گلیانگانی	مجدد	•	فانل سبزواری	•
۴۸۵	فانح شیرازی	شیرج محمد	•	فانل ابروایی	حبیبعلی
•	فانعی اصعبانی	عیر علی	۴۸۱	فانلان بنگ	•
•	فانالی سبزواری	•	•	فانوس و شمعگیر	امیر فانوس
۸۷۶	فانلی لاهیجی	•	•	فانری هندی	•
۴۸۵	فانلی بزقی	•	•	فاسم سراج الدین	•
•	فانلی بخارانی	•	•	فاسم حان	فاسم حان
•	فانلی گلیانگانی	سید مراد فاضی	۴۸۲	فاسم سبزواری	مجدد فاسم

مخلص	اسم	ص	مخلص	اسم	ص
قدرت قوی		۴۸۵	قهرمان ملایری	قهرمان خان	۴۹۲
قدرت منصور خراسانی قدرت		۸۷۶	قویاسی		۸۷۷
(۱) قدسی	میر حسن	۴۸۵	قیدی شیرازی		۴۹۲
(۲) قدسی	میرزا علی اصغر خان		قیدی کرمانی		۴۲۰
	انابک		کاتبی نساپوری		۴۹۳
قدسی طوسی	حاجی محمد جان	۴۸۶	کاتبی هروی یوسف شاه		"
قراری گیلانی	نورالدین محمد	۴۸۷	کاتبی ترشیزی شمس الدین محمد		"
قرانی مشیدی		۴۸۸			۸۷۸
قربی شیرازی		"	کاتبی اصفهانی		۴۹۳
قربی دعاوندی		"	کاتبی مروزی علی		۴۹۴
قسمی افشار	فاسم بیگ	"	کاتبی یزدی		"
قصبان کمانی	سعد	"	کاتبی	محمد شریف	"
قضائی یزدی	محمد صادق	"	کاتبی تبریزی	کاظم	"
		۴۹۰	کاتبی قوی	کاظم	"
	محمد رحیم	۴۹۰	کاتبی کاشانی	کاظم	"
	قطب الدین محمد	۹۰۳	کاتبی تبریزی	کاظم	"
	محمد	۴۹۰	کاتبی تبریزی	کاظم	"
	قطب گویناری	"	کافر مازندرانی		۴۹۵
	قطر احمدی	"	کافی بخارانی	سعد الدین	"
	عبدالوهاب	"	کافی اردوبادی		۴۹۱
	هزیم	۸۹۸	کافی فیروزی		۴۹۶
	قدری جرجانی	۴۹۰	کافر ان صیران	کاظم	"
	قدسی مشهدی	۴۹۱	کافر ان صیران	کاظم	۴۹۸
	قوام الدین اردستانی	"	کامل ساری		"
	قوسنی نریزی	"	کامل خراسانی		"
	قهرمان ملایری	۸۷۶	کامل کمانی		"
	قهرمان خان	۸۷۶	کاتبی ناسری	محمد حسن	۸۷۸

ص	اسم	تخلص	ص	اسم	تخلص
۵۲۰	کوئری بخارا ئی	کوئری بخارا ئی	۴۹۷	کامی لاهیجی	کامی لاهیجی
۴	کوئب کوئب خام	کوئب کوئب خام	۵	کامی سبز واری	کامی سبز واری
۲	کوئب خرامانی	کوئب خرامانی	۴۹۸	کامل سبز واری	کامل سبز واری
۸۷۸	کوھی کرمانی	کوھی کرمانی	۴	کجج تبریزی	کجج تبریزی
۵۲۰	کهنی سیستانی	کهنی سیستانی	۵	کریم هندی	کریم هندی
۴	کیوان اصفهانی	کیوان اصفهانی	۵	کسری بزدی	کسری بزدی
۵۲۱	گداز هندی	گداز هندی	۲	کسری قاجار	کسری قاجار
۴	گدائی هدی	گدائی هدی	۴۹۹	کسوتی بزدی	کسوتی بزدی
۲	گروه اصفهانی	گروه اصفهانی	۸۷۸	کشاورز دامغانی	کشاورز دامغانی
۴	گرامی ترک	گرامی ترک	۴۹۹	کشته نظری	کشته نظری
۸۷۸	گرچی	گرچی	۴	کلامی اصفهانی	کلامی اصفهانی
۵۲۱	گرمی کلاتانی	گرمی کلاتانی	۴	کلانی	کلانی
۸۹۷	گرگان خرامانی	گرگان خرامانی	۴	کلید علی شیداری	کلید علی شیداری
۴	گلدین بیگم هندی	گلدین بیگم هندی	۴	کنیم کمانانی	کنیم کمانانی
۸۷۸	گمانی افشار	گمانی افشار	۴	کهال الدین خجندی	کهال الدین خجندی
۴	گولچین گیلانی	گولچین گیلانی	۵۱۴	کهال الدین مسعود	کهال الدین مسعود
۸۷۹	محمد الدین میرفخرانی	محمد الدین میرفخرانی	۴	کهال الدین کوتاه بانی	کهال الدین کوتاه بانی
۵۲۲	گلخی فخری	گلخی فخری	۵۱۶	کهال الدین کمال الدین	کهال الدین کمال الدین
۵۲۲	گلرخ بیگم	گلرخ بیگم	۴	کهال الدین قهسای	کهال الدین قهسای
۴	گلزار اصفهانی	گلزار اصفهانی	۴	کهال الدین	کهال الدین
۴	گلشن شیرازی	گلشن شیرازی	۴	کهال اسمعیل اصفهانی	کهال اسمعیل اصفهانی
۴	گلشن زنگنه	گلشن زنگنه	۴	کهال الدین اسمعیل	کهال الدین اسمعیل
۴	گوهر بیگم	گوهر بیگم	۵۱۷	کهالی اصفهانی	کهالی اصفهانی
۴	گوبای هندی	گوبای هندی	۵۱۹	کهالی سبز واری	کهالی سبز واری
۴	قدر محمد جان بهادر	قدر محمد جان بهادر	۴	(۱) کونر همدانی	(۱) کونر همدانی
۴			۴	(۲) کونر همدانی	(۲) کونر همدانی

ص	اسم	تخلص	ص	اسم	تخلص
۵۲۲	رحیم	مایل اصفهانی	۵۲۳		لاله هندی
"	محمد علی	مایل آستانی	"	لاله خاتون	لاله خاتون
"	قلیچ	مایل شاملو	"	حسن بیگ	لالی همدانی
"	شاطر غلام حسین	مایل طهرانی	"		لسان الشعراء
۵۲۳		مایل مشهدی	"		اساسی شیرازی
"	میر شبر علی	مایل هندوستان	۲۷۹		"
"		مایل هندی	۵۲۸	لطیفی جان	لطیف داغستانی
"		مایل همدانی	"	لطیف الله	لطیف بشارتی
"		مایلی کاتانی	"	لطیف الله	لطیف الله شاپوری
"		بریدع تبریزی	۵۲۹		لطیفی نشابوری
"		مفتی رازی	۵۲۹		لطیفی شیرازی
"	محمد نقی	مفتی اصفهانی	"		لطیفی طهرانی
"		مفتی آردوبی رازی	"		لطیفی تبریزی
۵۳۰		مفتی آستانی	"		لطیفی مشهدی
"		مجدد آه مانی	"		لطیف اصفهانی
۹۰۳		مجدد آه مانی	"	آقا لطیف	لطیف قزوینی
۵۳۰		مجدد آه مانی	۵۳۰	عبدالمطیف	لطیفی بختیاری
"		مجدد آه مانی	"	عابدان	لطیفی تبریزی
"		مجدد آه مانی	"	مهدی بیگ	لوایمی همدانی
"		مجدد آه مانی	۵۳۰	ساحل قلندر	
۵۲۵		مجدد آه مانی	۵۳۱		مفتی شیرازی
"		مجدد آه مانی	"		مفتی خلومی
۵۲۶		ملاک الایام	۵۳۲		مفتی دامغانی
۵۲۶		مفتی همدانی	"		مفتی تبریزی
"		مفتی تبریزی	"		مفتی قزوینی

ص	اسم	تخلص	ص	اسم	تخلص
۸۸۱	امیر محمد	محمد گسکنی	۵۳۶	مرتضی قلی بیگ	مجرم شاملو
	رحوع شود	محمد شجندی			مجرمی اردبیلی
۵۵۳	محمد رستگاری	باسم حاجی محمد رستگاری		آقا محمد حسین	مجرم زواره
	محمد	محمد استرآبادی	۵۳۹		مجنون اصفهانی
	محمد	محمد ساروی			مجبوی بهمنی
	محمد	محمد کرمانی		محمد	مجدد بروجردی
	محمد	محمد نجفی		درویش محمد خطاط	مجدد طالقانی
۸۸۱	محمد	محمد صوفی مازندرانی	۵۴۰	محمد الدین	مجدد بندقانی
				محمد خان بهار	مجدد بندقانی
۵۵۴	محمد مرزا محمد	محمد وزیر	۵۴۱	میر احمد	مجتبی لاری
	محمد	محمد اردبالی			مجتبی لاری
	محمد	محمد فلیحان کازرونی	۸۷۹		
۵۵۵		قلیخان	۵۴۱	مرتضی	مجدد برتیزی
	محمد مرزا	محمد قاجار			مجدد کاسانی
۹۲۱	محمد دختار	محمد نختاری	۵۵۱	محمد	مجدد شراری
۵۵۷	محمد	محمد کاشانی	۸۸۰		
	محمد	محمد کیگانی	۵۵۲	محمد علی	مجدد اصفهانی
	محمد	محمد شیرازی	۸۸۰	ابوالفتح خان	مجدد شیرازی
۸۶۴			۵۵۲	محمد	مجدد شیرازی
۵۵۷		محمد ترک		محمد	مجدد دهنندی
	محمد	محمد حاوانی			مجدد شمس مالک آرا
	محمد	محمد گنجوی	۸۸۰		مجدد میرزا
		محمد اصفهانی	۵۵۲		مجدد ساروی
۵۵۸	محمد	محمد آلبین			مجدد کازرونی
	محمد	محمد غرقوی	۵۵۳	امیر محمد	مجدد گسکنی

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
	مخلص هندی	مخلص خان	۵۵۸	محمود قزوینی	قاضی محمود
۵۶۱	میر بخش		۱	محمود مشهدی	محمود
۱	(۱) مخلص هندی	سید احمد حسین	۲	محمود هندوستانی	لطف‌الله
۲	(۲) محمود اصفهانی	میرزا رفیع	۳	محمود باغ‌فرشی	سید محمود
۵۶۲	مدامی (محمد صادق)		۴	محمود اردبیلی	عبدالحلی
۳	مدامی اصفهانی		۵۵۹	محمود اسدآبادی	مخیت‌الدین
۴	مدارک شیرازی		۶	محمود اصفهانی	(محمد بیگ)
۵	مدنی حسینیانخان		۷	محمود بخاری	
۶	مدعوش اصفهانی	قلندر	۸	محمود	
۷	مدعوش حوزة	سید مبارکمان	۹	محمود اصفهانی	میر محمد سعید
۸	مدعوش گلپایگانی	محمد حاتم	۱۰	محمود مشهدی	محبوب‌الدین
۹	مدعوش دهلوی	لاله درگاز	۱۱	محمد انقادر	
۵۶۳	مدانی		۱۲	محمد گیلانی	عبدالقادر
۱۰	مدانی ساهونی	نظام	۱۳	محمد لاری	
۱۱	مدنی ارواستاهی	عبدالمجید	۱۴	محمد بنی همدانی	خاراباجان
۱۲	مدنی شیرازی	پهلوان مراد	۱۵	محمد بنی نساوری	
۱۳	مدنی زان سفوی	مراد مراد	۱۶	محمد وه یزدی	
۱۴	مدنی باغی		۱۷	محمد کرماتناهی	عبدالمجید
۱۵	مدنی اسیرانادی		۱۸	محمدی	
۱۶	مدنی علمی بیگ	محمد علی خان	۱۹	محمدی هندی	سلطان خان
۱۷	مدنی ظفرخان	سلطان	۲۰	محمدی رشتی	
۵۶۴	مدنی قاریخان		۸۸۱	محمدی شیرازی	محمد بنی
۱۸	مدنی مشهدی	محمد حاسم	۲۱	محمدی کشمیری	محمد
۱۹	مدنی ساهونی		۲۲	محمدی رافعی	محمد
۲۰	مدنی زرقانی		۲۳	محمدی نساوری	محمد محمود

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
مرشد بروجردي	۵۶۵	مسیحی ارمنی	۵۷۵		
مرشد اعقهبانی	عبدالوهاب خان	۵۷۶	مشفق تبرازی	ملاحسین	۵۷۶
مرشد جرقادقانی	«	«	مشفق کشمیری	«	«
«	«	«	(۱) اشفاق اصفهانی	ملا باقر مجلسی	«
مرشد هندی	لااله منوالال	۸۸۱	(۲) اشفاق اصفهانی	میر سید علی	«
مستورده کردسانی	ماه مشرف خانم	۵۶۵	(۳) اشفاق اصفهانی	محمد رضا	۵۸۶
مستغنی افغان	عبدالعلی خان	۸۸۲	مشفق کرمانی	محمد تقی	«
مستوفی تبریزی	محمود بیك	۵۶۶	مستوفی قراهنای	«	«
مسرور بختیاری	سید علن	۸۸۲	مشحون	حسن خان	۹۰۱
مسرور اصفهانی	دکتر حسنتخان	«	مشرب عامری	میرزا اشرف	۵۸۷
مسرور قره‌روبی	رضی‌الدین محمد	«	مضرب خوشساری	«	«
«	«	۵۶۶	مشرقی مهدی	میرزا امینك	«
مسرور بیگدلی	ولی محمد خان	«	مشرقی هروی	«	۵۸۸
مسعود ترک	مسعود بیك	«	مشرف خاجار	امامقلی آقا	«
مسعود آسراغانی	مسعود	«	مشرف اسراغانی	آقا کریمك	«
مسعود اصفهانی	«	«	مشفق تبرازی	میرزا سعید	«
«	«	«	مشفق رنگه	بیرمرد بیك	«
«	«	«	مشقی	(محمد رضا)	۵۸۹
«	«	«	مشقی بهارانی	«	«
مسکین بهارانی	«	۵۷۰	مشهور اصفهانی	محمد زمان	«
مسکین مازندرانی	عاشق	«	مصاحب نائینی	میر حسیا	۵۹۲
مسلمی تبرازی	«	«	مصباح	عزیز الله خان	۸۸۳
مسند نیکولو	مسیب خان	«	مصطفی خان نیکولو	مصطفی خان	۵۹۳
مسیب رضوی	امر مسیب	۵۷۱	مصلح اصفهانی	«	«
مسبح کتانی	رکب‌الدین مسعود	«	مصور اصفهانی	حیدر خان	۸۸۳
مضرب ساوچی	روح‌توید	«	«	«	«
یوه‌با اسم در حرف (ی)	«	۵۷۵			

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
معین الدین یزدی	معین الدین	۶۰۰	مظفر ہندی	شیخ امام الدین	۵۹۲
معین الدین چندی	سبستانی	۵	مظفر بی قزوینی		۵۹۲
معینی جوینی		۲	مطیع کاشغری		۲
مغربی نیری		۲	مطیع برہمن	لالہ رام بخش	۲
مغربی یزدی	محمد شہرین	۲	مظفر شیرازی	غلامحسینخان	۵۹۳
مفتون ہمدانی	غلاممحمد پشانی	۲	مظفر ہروی	میرزا مظفر	۲
مفتون زبلی	عبدالرزاق بلک	۶۰۱	مظفر حسین کاشی	مظفر حسین	۲
مفتون شیرازی			مظفر حسین میرزای صفوی		
محمد حسن - محمد حسین		۲	مظفر حسین میرزا		۵۹۴
مفتون		۲	مظفر صفوی	مہر علیخان	۲
مفرد ہمدانی (بعد اللہ)		۲	مظفر محمد صادق		۲
مفرد آبی		۲	مظفری کشمیری	فاضل مظفر	۵۹۷
مفرد تازی		۲	معروف نیری		۵۹۸
مفید باجی	شیخ عبد	۲	معزی تشاروری	ابو عبداللہ محمد	۲
مہربانی اصفہانی		۶۰۲	معصوم کاشانی	سر معصوم	۲
مقبلی کاشانی	نارنگ الدین	۲	معصوم آبریزی	میرزا معصوم	۵۹۹
مقبول آبی		۲	معصوم لاهوری	فاضل معصوم	۲
مقبولانی		۲	معلم نیاوردی	مہر علی	۲
مقبولانی		۲	معلوم نیری	محمد حسین پناہ	۲
مقبولانی		۲	معماتی کاشانی	نہال معصوم کاشانی	۲
مقبولانی		۲	مجموع شود		۲
مقبولانی		۲	معنوی میر عبد الوہاب		۲
مقبولانی		۲	معنوی بخارائی	عبد الحافظ	۲
مقبولانی		۲	معنوی پیام سولہ رحیم سولہ		۹۰۰
مقبولانی		۲	معین الدین شیرازی	معین الدین	۶۰۰

ص	اسم	تخلص	ص	اسم	تخلص
۶۰۸	ممتاز غزنوی	ممتاز	۶۰۳	محمد	مقیم هندوستانی
۶۰۹	ممتاز گرجی	ممتاز	۶	قوچی	مقیماء شیرازی
۶	ممکن هندی	ممکن	۶۰۴		مقیماء مشهدی
۶	منت افشار	منت	۶	حسن بیگ شکر اوغلی	مقیمی ترکمان
۶	منتخب خلخال	منتخب	۶		مکتبہ شیرازی
۶	منتخب خراسانی	منتخب	۸۸۳		۶
۶	منہی ظہری	منہی	۶۰۴	آقا محمد	مکتوب گرجی
۶	مدجیک زردی	مدجیک		بنام	ملاحاجی طبسی
	مشق اشق طبرسانی	مشق	۶۰۵		حاجی طبسی رچہ مع شود
۶۱۰	محقق شیرازی	محقق	۶		ملاشاہ بدخشی
۹۲۲	۶	۶	۶		ملاشاہ
	مصعب دہلوی	مصعب	۶		ملالی سبزواری
	مصعب دہلوی	مصعب	۶		مولوی محمد شہیدی
۶۱۰	مفصل خانی	مفصل	۶		ملک سبزواری
۶	منصور اصفہانی	منصور	۶		ملک مشہدی
۶۱۱	منصور حسینی	منصور	۶		ملک فعی
۶	منصور دامغانی	منصور	۶		ملک اصفہانی
۶	منصور طوسی	منصور	۶۰۶		منش طیبور
۶	منصور منطقی رازی	منصور	۶		ملکشاہ سلجوقی
۶	منظر اصفہانی	منظر	۶		ملک شمس الدین کربت شہسردین
۶	منظور شیرازی	منظور	۶		ملک محمد د
۶۱۲	منعم اصفہانی	منعم	۶۰۷		ملک سبزواری
۶	(۱) منعم شیرازی	منعم	۶		مذہبی
۶	(۲) منعم شیرازی	منعم	۶		مذہبی اصفہانی
۶	(۱) منعم ہندی	منعم	۶۰۸		مذہبی اردبیلی
۶	(۲) منعم ہندی	منعم	۸۸۴		۶
۶	میرزا بیگ	میرزا	۶۰۸		مطاحی

ص	اسم	تخلص	ص	اسم	تخلص
	بیام تالیقی نخراسانی	مویده التولید	۶۱۲	نجم الدین احمد	منوچهری دامغانی
۸۸۶	رجوع شود		۶۱۴	حاج میرزا علی اکبر	موافق اصفهانی
"	محمد حسین	مہجور قمی	"	معروف بدخراسانخان	موافق تونی
"	مہدی میرزا	مہدی قاجار	۶۱۵	مولای بیک	مولای ترکمان
۶۱۹	مہدی	مہدی لاهیجی	"		مویده ہندی
"	مہدی	مہدی حوتی	"		موحد ہمدانی
"	مہدی	مہدی اسفند آبادی	"	شفیعا	موحد اصفہانی
"	مہدی	مہدی قزوینی	"	عبدالعلی	موحد بادرتی
"	مہدی	مہدی فہمی	"	دانشمور بیک	موزون سمرقندی
"	مہدی عرب	مہدی عرب	"	میر عماد الدین	موسوی مشہدی
"	مہدی بیک شتایی	مہدی بیک شتایی	"	موسی	موسی یوخسیم
۶۲۰	مہدی	مہدی ہروی	۶۱۶	موسی	موسی موسی
"		مہدی شاہ ازلی	"	رضا	موسی ہمدانی
"	مہدی	مہدی گنجوی	"	محمد	موسی کشمیری
"	مہدی	مہدی حبیبی	"		مولانا زاتمہ
۸۸۲			"	عبدالمولی	مولی اصفہانی
"	مہدی	مہدی ماہ راہ شہری	"	جلال الدین محمد	مولوی جلال الدین محمد
"	مہدی	مہدی کرمانی	۶۱۷		مولوی جانی
۶۲۱	مہدی	مہدی مقبلی	"	میر محمد	مومن استرآبادی
"	مہدی	مہدی کرمانی	"	حسین	مومن یزدی
۸۹۹	مہدی	مہدی اقا خان	"	(۱) موسی شہرازی	عبدالحسن خان
"	مہدی	مہدی اقا خان	"	(۲) موسی شہرازی	
۶۲۶	مہدی	مہدی اقا خان	۶۱۸	محمد علی	موسی اصفہانی
"	مہدی	مہدی اقا خان	"	محمد	موسی چلو ہندی
۶۲۶	مہدی	مہدی اقا خان	"		مویده ہندی

مختص	اسم	ص	مختص	اسم	ص
ناصر خسرو غلوی			میرک سبزواری	میرک بک	۶۲۱
ابو حنین الدین ناصر		۶۳۱	میرک شیرازی	میرک	۵
ناصری مهتة حواجه ابونظر		۶۲۲	میر میران		۶
ناخنی		۵	میلی جصاص شاهمانی		"
ناطق اصمغانی ملازمان		۶۲۳	میلی نیک مرزا فلی		۶۲۲
ناطق اصمغانی نام وحید			میلوی		۶۲۵
دستگیرنی رجوع سوند		"	میلوی همدانی امیرخان		"
ناظر مارندی ظاهر		"	میلوی شیرازی		"
(۱) ناطم بختماری ابوالحسن		"	مثنی هندی منی کلال		"
(۲) ناطم بختماری میرزابدالله		۸۸۶	نادری حراسانی محمدحسن میرزا		
ناطق بریزی محمدصادق		۶۲۳	(حسن اشعار ایرج)		۴۵
ناطق حراسانی		"	نادری هرندی		۶۲۶
ناطق هرندی شرح حسین		۹۳۲	نادری شوشتری		"
ناطق هندی شرح النوراه ناطم الملك			نادری لاهوری		"
من منبع خان بهادر ظاهر حسنگ		۶۳۴	نادم لاهور		"
دافع نوی		"	ناصر محمد شاهجهان		۶۲۷
ناظر هندی		"	ناصر نوری میرزا امیرت		۶۲۸
ناصر غلامرضاخان		"	ناصری		۶۳۰
ناصر ساریجی میرزا حسین		۸۸۶	ناصری هندوسسانی جمال خان		"
ناصر اصمغانی محمدصافی		۶۳۵	ناصر یزدنی میرزا حسن		"
ناصر خواجهستانی عبدالله		"	ناصر مظفری		۹۰۳
ناصر ننگروندی		"	ناصر ناطمی شیخ محمد ناصر		۶۳۰
ناصر بختماری		"	ناصر هندی ناصر علی		"
ناصر دیکده		۶۲۶	ناصر اندلس شاهنامه		"
ناصر همدانی بهاربخان		"	ناصر ابرین ساد		"

تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم	ص
نائب اصفهانی	محمد رضا	۶۳۶	فرهت اصفهانی	میرزا ظاهر	۶۴۲
نثار	•	•	فرهت کشمیری	خواجہ نور افقہ	•
قاری تبریزی	•	۶۳۷	نژاد گرجی	محمد علیخان	•
فجوات اصفهانی	میر عبدالعالم	•	نسائی خراسانی	•	•
نجواتی	محمد علیخان	•	نسبتی خراسانی	•	•
نجف هندی	عبدالکریم	۶۳۸	نسیم ترک بوداقریان	•	۶۴۳
نجمتلی خان رنگه	نجمتلی خان	•	نسیم و حیدزاده	محمد و سخا	۸۸۷
نجفی	•	•	نسیمی همدانی	ابوالقاسم خان	۶۴۳
نجم	جوادخان	۸۸۶	نسیمی شامی	•	•
نجمی اصفهانی	•	۶۳۸	نسیمی هروی	•	•
نجنب کاشانی	نورالدین محمد	۸۸۶	نسیمی	•	•
نجببای اسرانی	•	۶۳۹	نساء اصفهانی	بن المایندی	•
نجم الدین خرفاندانی	نجم الدین	•	شاد اصفهانی	عبدالله هارث	۶۴۴
ندائی نشابوری	•	•	شادان	افا محمد	۶۴۸
ندائی اصفهانی	•	•	ندائی (س)	محمد باقر ملک	•
ندائی گیلانی	•	•	نداجیل وازندوانی	عالم	•
ندائی معرفندی	محمد صالح	•	ندائی رشیدی	•	•
ندیم بارفروشی	محمد	•	ندایی شامی	ابن احمد	•
ندیم خراسانی	میرزا دکی	۶۳۹	ندیر افغانی	•	•
ندیم دهلی	سالم پیک	۶۴۰	ندیم دهلی	ندیم افقہ خان	•
ندوی کاشانی	•	•	ندیم گیلانی	علیخان حسینی	•
ندیر لکنائوری	محمد	•	ندیم کاشانی	•	•
نرگسی ادبی	ابوالمکارم	•	ندیم اصفهانی	آباد محمد	۶۵۰
نزاری فیہسان	•	•	ندیم گلزار	محمد علی شادان	•
•	•	•	ندیمی حلیمی	محمد صالح	۶۵۱

ص	اسم	تخلص	ص	اسم	تخلص
۶۷۷	نعمت شیرازی	نصیری شیرازی	معروف به		
۶	نجیم احمدیانی	نصیبی کتانی	۶۵۲		
۶۷۸	نعمت شیرازی	نصیرالدین محمد	۶		
۶	نعمت خراسانی	نصیرای همدانی	۶۵۳	ارایم حسین	
۹۱۳	نعمت کرمانی	نصیرالدین طوس	نام		
۸۸۷	نقاشی تبریزی	خداجه نصیر طوسی	۸۸۷	رسوخ شود	
۶۷۸	نقی کمره	نظنی شاپوری	۶۵۴		
۸۸۷	۶	نظام وفا	۶	نظام الدین خان	
۶۸۴	نقیب فروزی	نظام	۶۵۵		
۶	نکمت شیرازی	نظام	۶		
۶	نکمت کرمانی	نظام استرآبادی	۶		
۶	نگاهی شاموری	نظام سرازلی	۶	نظام اندیس	
۶	نوابی شیرازی	دست غیب	۶		
۶	نواب همدانی	نظام	۶۵۶	ملا نظام	
۶۸۵	نواب کاشانی	نظام نالک (م. ا. م.)	۶		
۶	(۱) نواب همدانی (م. ا. م.)	نظامی	۶	نظامی	
۶	(۲) نوابی همدانی	نظام الدین الواس	۶۵۷		
۶	نواب زدی	نظام عروسی سرآمدی	۶		
۶	نوابی کاشانی	نجم الدین احمد	۶۶۱		
۶	نور ساوچی	نظعی احمدیانی	۶	حسن خان	
۶	نور گیلانی	نظری رنگه	۶	امان الله بیک	
۶	نور زادی	نظیر کلیا بگانی	۶	سید حسین	
۶	نور الدین احمدیانی	نظیر منتهدی	۶۶۲		
۶۸۶	نور جهان بگم	۶	۸۸۷		
۶	نورس فروزی	۶۶۳	۶	شاپوری	
۶	معروف رشیدی	۶۶۷	۶	نعمت قسائی	

ص	تخلص	اسم	ص	تخلص	اسم
۷۳۰	وصالی بسطامی		۷۰۳	والی قاجار	
•	وصالی رازی	محمد ظاهر	۷۰۴	وامق یزدی	محمد علی
•	وصفی کرمانی	میر عبدالله	•	وامق اصفهانی	محمد صالح
•	وفای قمی	شرف الدین علی	•	واهب مال امیری	میرزا حسن
•	مشهور به آقامی بیک		۷۰۵	ووقوف الدوله	میرزا حسنخان
•	وفای فراهانی	محمد حسن	۷۰۸	ووقوف انوزاره	یوسفخان
•	وفای اصفهانی (محمد امین)		۷۰۸	وجدان تیریزی	باقر
۷۲۱	وفای هروی		•	وجدی خرامانی	محمد اسمعیل
•	وفائی تفرشی	عبدالله بیک	•	وجدی هندی	زین العابدین
۸۹۵	یرواتی حلج	تقی خان	•	وجهی کرد	علی اکبر بیک
۷۳۲	وهار شیرازی	احمد	•	وحدت کلهر	نعمتعلی خان
•	رفوعی تبریزی		۸۹۰	وحدت پختاری	امامعلی
۷۳۳	وکیل قمی		۷۰۸	وحدت زواره	
•	ولی دشت ریاضی	ولی	۷۰۹	جهان الدین محمد	
۷۳۶	وهی سمرقندی	آهنگر علی بیک	•	وحدتی حوشعانی	
•	ویس ویس		•	وحشی فاهی	کمال الدین
۷۳۷	هانف اصفهانی	سید احمد	•	وحید دستگردی	میرزا احمدخان
۷۴۱	هانف فراهانی	عبدالله	۸۹۱	•	•
•	هانفی جانی	عبدالله	•	•	(بامناظر اصفهانی)
۷۴۱	هادی حائری	میرزا هادیخان	۶۳۳	•	
۸۹۳	هادی بروجردی	شیخ محمد هادی	۷۲۷	وحید هروی	محمد ظاهر
۷۴۲	هادی اصفهانی	هادی	۷۲۹	وزیر بلگرامی	علی
•	هادی اصفهانی	هادی	•	وصاف قاجار	موسی خان
•	هارون جوینی	خواجسته هارون	•	وصال شیرازی	میرزا شفیق
•	عاشق شیرازی	عاشق	•	ملقب به میرزا کوچک	

ص	اسم	تخلص	ص	اسم	تخلص
۷۵۶	همایون نسائی	همایون نسائی	۸۹۳	هاشم	هاشم خراسانی
۷۶۲	همایون امیرهمایونی	همایون امیرهمایونی	۷۴۲	سید محمد	هاشم کرمانی
۷۶۲	همایون فریدی	همایون فریدی	۰	ابو عبدالله	هاشمی
۷۶۲	همایون قاجار	همایون قاجار	۰	شاه جهانگیر	هاشمی
۸۹۳	همایون	همایون	۷۴۳	محمد امین	هجیران بختباری
۷۶۲	محمد باقر	محمد باقر	۰		هجری قبی
۹۱۹	همایون	همایون	۰		هجری مشهدی
۷۶۲	همایون نوری	همایون نوری	۰	ابو القاسم	هجری نقری
۰	همایون رحمانی	همایون رحمانی	۰		هدایت طلوعستانی
۰	همایون خراسانی	همایون خراسانی	۷۴۵	رضاقلیخان لایلی	هدایت
۰	همایون سعیدی	همایون سعیدی	۷۴۶	محمود خان	هدایت مشهدی
۷۶۲	همایون احمدی	همایون احمدی	۰	میرزا هدایت	هلاکری قاجار
۰	همایون	همایون	۰	هلاکری	هلاکری همایونی
۸۹۳	همایون دولت‌آبادی	همایون دولت‌آبادی	۷۴۷		هلایلی جغتایی
۷۶۲	همایون حاج	همایون حاج	۷۵۳	رضاقلی جان	همای شیرازی
۷۶۵	همایون	همایون	۰	محمد صافی	همای دروژی
۸۹۳	همایون	همایون	۰	سیدستان	همای عراقی
۷۶۵	همایون	همایون	۷۵۵	همای الدین	همای تبریزی
۷۶۶	همایون	همایون		بنام همایون اصفهانی	همای بنام همایون اصفهانی
۷۶۶	همایون	همایون	۷۵۵	رجوع نورد	همای رجوع نورد
۷۶۶	همایون	همایون	۸۹۳		همای
۷۶۶	همایون	همایون	۷۵۵	(۱) همایون	همایون درویش سراد
۷۶۶	همایون	همایون	۷۵۶	(۲) همایون	همایون تبریزی

